

قیام تمام ایران

زیوف نظر شورای نویسندگان

مطبوعات، آزادی، استبداد

مطبوعات برای آن که به آزادی خدمت کنند، باید نخست خودآزاد باشند. هنگامی که آزادی سخن می گوئیم، منظور همواره آزادی در چهار چوب قانون است. آزادی بدون چهار چوب قانونی درخور، نمی تواند اندکاً رویزه خود را انجام دهد و به هرج ومرج می گراید. همچنان که قانون، بدون آزادی گرایش بدسوی استبداد خواهد داشت.

... اما اگر از من بپرسید که انسان آزادی را برای چه می خواهد، من پاسخی ندارم. به شما بدهم، زیرا انسان برخی چیزها را فقط به خاطر نفس آن می خواهد. آزادی هوانیست که انسان نشواید بدون آن زندگی کند، خوراک و پوشاک نیست که در نبود آن آدمی حیات برایش ممکن نشاید. سده های بسیار انسانها در شرایط استبدادی زیسته اند، هنوز هم می زندگی و شاید زاین پس نیز حکومت های استبدادی گنگا هدیدار شوند. آزادی موهبتی است که انسان نخست با یدر طلب آن بکوشد تا خود را نشایسته آن نشان دهد.

بقیه در صفحه ۲

رژیم را به هلاکت خواهد رساند و منطبق حسابی را که در آنجا نفوذ دارند منفرجه خواهد کرد. در این اعلامیه ها از ۸۴ نفر از جمله هاشمی رفسنجانی، مشکینی، محمدی ری شهری و میرحسین موسوی نام برده شده است. در تهران گفته میشود که انفجار مرکز مهمات سپاه پاسداران در سلطنت آباد، انفجار در میدان ونک و انفجار در میدان باغچه گاه اخیراً رخ داده است. از سوی طرفداران مهدی هاشمی انجام گرفته است.

بقیه در صفحه ۱۱

حسینی مکان
بازی عجیب قرن!
اکثریت ما ایرانی ها عیبمان اینست که هنوز دنیای نیمه دوم قرن بیستم را به درستی نشناخته ایم و متوجه نیستیم بعد از دو جنگ بزرگ بین المللی چه قدره دنیا عوض شده است. حتی سیاستمداران ما هم هنوز با همان معیارهای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مسائل جهانی را ارزیابی میکنند. در حالی که همبازیها عوض شده است و مهر و مهرش های بازی، بقیه در صفحه ۱۲

هوشنگ وزیر نویسنده، مترجم، روزنامه نگار و مفسر، روز پنجشنبه دوم بهمن ماه در جلسه بی دعوت هیأت اجرایی وقت نهضت ملی و ملت ایران، با حضور گروهی از اعضای نهضت درباریس، به بررسی نقش مطبوعات در رژیم های استبدادی و دیکتاتیک پرداخت و سپس به پرسش های شرکت کنندگان پاسخ داد. سوژه خوانندگان را در متن خلاصه شده ای سخنرانی جلب می کنیم.

نقشی اعلامیه های ضد جنگ در آسمان تهران

هسته های مقاومت و استبداد نهضت مقاومت ملی ایران - بعنوان اسرا از مخالفت با آدامه جنگ - صبح روز پنجشنبه دوم بهمن ماه جاری با کفن بزرگی حاوی دهها هزار برگ اعلامیه ضد جنگ و ضد رژیم و شعارهای "ایران هرگز نخواهد مرد" همراه با عکس های دکتر شاپور بختیار، در آسمان تهران به حرکت درآمد و در حدود دوازده کیلومتر از دریا تا شمال، آنرا با سیستم فرمان از راه دور، منفجر کردند. پس از فرو ریختن و پخش اعلامیه ها و شعارها و عکس ها، ما موران کمیته محلی و کمیته های مناطق مجاور برای جمع آوری آنها و تحقیق در باره چگونگی امر بسوی محله های مورد نظرشان فتنه ولی قبل از رسیدن آنان تعداد زیادی از کسانیکه اعلامیه ها و عکس ها بدستان آنها افتاده بود، از محل دور شده بودند و ما موران تنها موفق به جمع آوری تعدادی از اعلامیه ها و عکس ها شدیم.

شب نامه

بر اساس گزارش های رسیده ظرف هفته گذشته ز سوی طرفداران مهدی هاشمی، اعلامیه و شب نامه های در تهران و قم و اصفهان پخش شده است. طرفداران مهدی هاشمی در این اعلامیه ها تهدید کرده اند در صورتی که مهدی هاشمی و همکاران او تا یک ماه از دانشوند عده زیادی از اسرا

قضیه "ایران کیت" مسائلی را روشن کرد که خیلی بندرت فقط برا شرمادف ممکن است چنین مسائلی از برده اسرا ریسرین بیفتد. حال که چنین واقعنا در پی پیش آمده و گوشه ای از اسرارشان برملا شده است. بسیار شیدا قل ما خودمان هم چشمان را کمی با زتر کنیم و آنچه می بینیم و می شنویم ببینیم تا بهتر بفهمیم که دنیا چه خبر است.

چون جنگ

و مدامی که عراقیها که حتی یک سلسله هوایی هم بسوی آنها شلیک نمیکنند، عاقبت درها را به روی مردم و حشمت زده کشوندند. اما کارمندان دولت همچنان زمین گران بن سر هستند و خروخ از شهر بمزنگ ترک خدمت و اخراج آنها تلفتی خواهد شد. مردم فنیرویی چیزی که در هیچ کجا جای مکانی ندارند، طبعاً نتوانسته اند نهرا ترک کنند و هم روزها در آسایشگاه های بی همتا در ارتفاع بسیار پایین پرواز می کنند. یک از گرما نشای های واره، نیمه شوخی نیمه جدی می گفت: "حتی می توانیم تشخیص بدهیم که گلستان سبیل دارد یا بی سبیل است."

بقیه در صفحه ۲

در حالیکه جنگ در دو حوضه میانی و جنوبی تلفات بیرون از حد و حساب داشته است، هواپیما های عراقی در روندتازیه های از جنگ شهرها، بطور منظم و مرکب از شهرهای ایران را با بمبها و راکت ها می کوبند. اصفهان، گرما نشای تبریز، دزفول، کساران، مسجد سلیمان، همدان، خرم آباد و لاجوردیه تمام آماج بلافاصله بمبها و موشکهای دوازده متری روسی عراقیها هستند. گرما نشای تقریباً از کنگه خالسی شده است. هزاران هزار راکت ناسا هی که از شهر و دیار خود اواره شده اند، در شهرهای شمالی در جستجوی جا و سریناه اند. پاسداران رژیم که تا هفته پیش مردم را از خروج از شهر مانع می شدند و در برابر آنها بسته بودند، درسی حملات بیوقفه

جنگ بی آسمان قدرت

قدرت بین گروهیهای مختلف تا زگی ندارد. اما این سردرگزی میانی و مخفی که از سالها پیش ما بنده اش زیر کاستر پنهان بود، بدنبال افشای مسافرت مک فارلین به ایران از سوی جناح منتظری در آستانه هشتمین سالگرد انقلاب اسلامی به بر خوردی علنی تبدیل شده است. هدف اصلی همچنان جانشینی خمینی است. اما جنگ با عراق نیز در این میان نقش خود را دارد. مسئله جنگ و مسئله جانشینی خمینی در آینده رژیم ایران اثری تعیین کننده دارند.

چهره يك

کنفرانس

به گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۸ تن از رهبران و وزیران جهان مسلمان روز دوشنبه ۲۶ ژانویه در کنفرانس اسلامی که در کویت برگزار می شود شرکت جسته اند. ایران، این بار شیز، مانده و ویسار گذشته، با شرکت نکردن در این کنفرانس در تحریم آن می کوشد و دلیل این تصمیم را حمایت کویت کشور میزبان و دیگر کشورهای سنی مذهب و طرفدار غرب از عراق اعلام کرده است. در هفته پیش از آغاز کنفرانس، رژیم تهران با دست زدن به یک حمله شدید در جنوب عراق و در ۱۵ کیلومتری کویت بقیه در صفحه ۱۱

ما هنامه "عربی"، چاپ پارسی در گزارشی درباره جنگ قدرت بین رفسنجانی و منتظری برای جانشینی خمینی مینویسد: در تهران رویا رویی برای بدست آوردن

سوزهای تازه

در منطقه خاور نزدیک و میان خط وسط اصلی تغییراتی مهم در چشم انداز قرار گرفته است. این تغییرات بیش از همه حکومت های لیبی، سوریه، جمهوری اسلامی و افغانستان را تکران موجودیت خویش ساخته است. در این میان حکومت های سوریه و افغانستان بیشترین بخت را دارند که جان سالم بدر ببرند. به عبارت درستتر، حافظ اسد و نجیب اله، کوشی و اشعیا ف بیشتر می نمایند بلکه خود را با تغییراتی که در پیش است، سازگار کنند. سوای این، دودولت نامبرده عملاً، یکی بیشتر و دیگری کمتر، در زیر چتر حمایت شوروی قرار دارند. البته سوریه خواهد توانست بدون این چتر، گلیم خود را از آب بیرون بکشد. حال آنکه رژیم افغانستان نمی تواند. بقیه در صفحه ۲

جنگ تمام عیار

در صفحه ۱۱

جنون جنگ

بقیة از صفحه ۱

حق از بمبارانهای دوسال قبل نیز موحش تر و مخرب تر بوده است. خسارتی بمبارانهای دوسال قبل کرمانشاه را بالای یک میلیارد تومان برآورد کرده بودند. در نتیجه میتوان میزبان ویرانیهایی و تلفات بمبارانهای اخیر را با همین مقیاس سنجید. شهر تقریباً "متروکه" و مرده است. شهر خاموشان ۱۰۰۰ مردم اصغیان، شهری که اصغیانیها به "صاف جهان" بودن آن می نازیدند، با بهت و نا باوری ناظر بر آن می هستند. طی حمله های شبانه تعدادی از بناهای تاریخی که دیگر هرگز در دنیا نظیر آنها را نخواهد دید ویران شده یا به سه دیده اند. عراقی ها که ادعا میکنند اصغیان را به تلافی بمباران شهرهایشان می گویند، تقریباً "هر شبهه در آسمان شهر ویران زنده" بیشتر بمب ها به بالای زمین و روحمالات فقیرنشین اصغیان کرده است. هنگامی که بمب ها در چاه رسوق افتاد چندین باب مغازه و خانه را ویران کرد. از جمله یک جواهر فروشی نیز مورد اصابت قرار گرفت. حزب اللهی ها بی که برای امداد آمده بودند، جواهرات را به غارت بردند و سپس دکان را با بولدوزر درهم کوبیدند و وادار کردند. این اما نتواند از سبب اعتراض کسبه شهر و اعتبار منصف زرگری های اصغیان گردید. طی همین بمباران بود که مردم متوحش شعراهای فدر رژیم و ضد خمینی و ضد جنگ سرد شدند. شهر اکنون در واقع نیمه تعطیل و بسیار متشنج است. از یک سو وسعت خرابی ها و از سوی دیگر بالا بودن ارقام تلفات و مجروحین که بر روییم بالای ۲۵۰۰ نفر است. مردم را از شهر فراری داده است. مداری تعطیل شده و جلوی پمپ بنزین ها صف های طویل چند کیلومتری بسته شده است. انوموبیل های که شهر را ترک می کنند تقریباً هر سه خط شا هسراه خروجی شهر را اشغال کرده اند و حرکت به کندی و لاک پشت و اصرورت می گیرد.

بزرگ رنجی ها

در کنار بمباران ها و وحشت عمومی، مسئله اساسی که در حال حاضر رژیم بها آن بطور جدی دست به گریبان است، کمبود پزشک و دارو و تکنیسین و امکانات امدادی است. طی هفته اخیر گفته میشود که نزدیک به ۵۰۰ پزشک به زور تهدیدیه جبهه ها کسب شده اند. در همین حال هلال احمر (شیر و خورشید سرخ) از همه گمانی که بنحوی با امداد پزشکی آشنا بی دارند تقاضا کرده است که به کمک مجروحین در جبهه ها بشتابند. تعداد مجروحین بقدری بالاست که گاه مجروحین روزها منتظر تریب روی دست می مانند تا به اتاق عمل برده شوند و غالباً "پیش از آنکه نوبتشان برسد می میرند. هم اکنون ۱۵۰۰ مجروح جنگ سوما را که در بیمارستان طالقانی کرمانشاه جا داده شده اند، بدون پزشک و امکانات جراحی و امدادی منتظر مرگ نشسته اند. دویست تن از مجروحینی را که به تهران حمل کرده بودند چگونگی بیماران های شهرهای خالی نداشت، دوباره به هوا پیمای کرمانشاه پیس فرستادند و تعدادی از آنها در این فاصله از زمین رفته اند. تعداد بالای مجروحین رژیم را تا گریز ساخته که یک واحد مستقل به نام متخلیه و امداد مجروحین ایجاد کنند که کار آنها حمل مجروح به تهران و یافتن تخت خالی برای آنها و انجام عملیهای جراحی پزشکی است. به گفته یکی از افراد این واحد طی هفته های اخیر وسیله ۶۵ فرزند هوا پیمای سی ۱۳۰ که هر یک بالای ۴۰۰ نفر جا دارند، مجروح به تهران حمل شده است. با این حساب می توان گفت که حدود ۲۵۰۰۰ مجروح حاصل دونهای جسم شلج و سوما ر بوده است. تلفات تنها جسم سوما ر بسیار بالا برآورد شده است. یکی از دلایل توقف جنگ در این نقطه نیز بسیار بودن میزان تلفات و مجروحین قلمداد شده است. دلیل آن کوتاهی در پیش بینی امکانات امدادی و پزشکی گزاش کرده شده است. تازه پس از آنها رژیم به فکر افتاده است که پزشکان را با تهدید و ارعاب به بیمارستان های پشت جبهه بگمارد. میزبان بالی تلفات و مجروحین در شلمچه نیز عملاً موجب توقف جنگ شده است. پیروزی و پیشرفت جزئی که در این

مطبوعات، آزادی، استبداد

بقیة از صفحه ۱

... همان گونه که گفتیم فقط آزادی بی درخورا احترام است که در جها رچوب قانون محدود باشد. اما هر مرجع دیگری جز قانون مدون یا متعارف نخواهد آزادیها را محدود کند، تنها به منظور برپا کردن حکومت استبدادی است. بدترین محدودیتها آن است که به وسیله حکومتهای خودکام اعمال شود. خودکامها در واقع با آزادی مخالف نیستند، بلکه موافق هم هستند. منتها فقط با آزادی خودشان، نه با آزادی دیگران. رژیم ولایت فقیه که امروزه ایران حکم می راند، درست چنین است. رهبران رژیم خود را از هر جها رچوب قانونی آزادی دادند، حال آنکه آزادی گنگا حتی برای کارگزاران رژیم چون نمایندگان مجلس یا اعضاء شورای نگهبان وجود ندارد. هر چند که در قانون اساسی خود رژیم نیز پیشبینی شده باشد.

حکومت های خودکامهای که آزادیها را محدود می کنند، انواع گوناگون دارند. سنگین ترین آنها حکومتها می هستند که به نامیک ایدئولوژی - چه دینی و چه

رویکردی که ایدئولوژی به واقعیت دارد، با رویکردی که می توانیم آن را آزادی مناسنه بخوانیم، زحمت ما هسوی متفاوت است و با آن تفاوت دارد. در رویکرد ایدئولوژیک، انسان قالب نظری از پیش برداشته ای دارد؛ هرواقعی که در آن قالب گنجد می پذیرد، اما اگر آن را به گونه ای مثله می کنند که در قالب نظری جا بگیرد. حاضر نیست نظریه را به خاطر واقعیت کنار بگذارد و در عوض در رویکرد آزادی مناسنه نیز اگر چه از داشتن نظریه ای گریزی نیست، ولی اگر در حین پژوهش واقعیت ها می پیدا شد که با آن نظریه جور در نیامد، واقعیت کنار گذاشته نمی شود، نظریه کنار گذاشته می شود یا به گونه ای تغییر می یابد که با واقعیت سازگار گردد.

نمونه کلاسیک تضاد این دو برداشت در محاکمه گانگلیله نمایان شد: وی در نقطه بدست آمده، به بیای گزافی بدست آمده است. به بیای جان هزاران نفر و معلول و مجروح شدن هزاران تن دیگر. این واقعیت، گذشته از آنچه عکس های ما هوا رهی نشان می دهد، از سخنسان اخیر ها شمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران نیز استنباط میبند. اگر چه رفسنجانی گفت که: "در کنار بصره باید با عراق تسویه حساب کنیم". اما این نکته را نیز تا کبد کرد که: "سرنوشت جنگ در همین حال رزم می خورد". بهرحال، همچنان که پیش بینی کرده بودیم، تنها جم کربلای ۵ چند روزی پس از کربلای ۴ صورت گرفت که بنوبه خود حمله ای موفق بود. عراقی ها که به غلط پیش بینی گس کرده بودند ایرانی ها نقطه آژوده را دوبار نخواهند آزمود، وقتی از همان نقطه مورد هجوم ایرانی ها قرار گرفتند عملاً غافلگیر شدند. اطلاعاتی که به دست ما رسیده حکایت از آن دارد که ترماندهان ایرانی امداد و یوده نماز قبلیها ایمن اشتباها را مرتکب شوند که نیروهای ذخیره خود را در حول و حوش قا و به حوالی بصره

موجودیت خود را اثبات کند، به وسایلی برای بیان خود دنیا زدا رد که مطبوعات اعم از زبیدی یا شنیداری جزو آن هستند. حرف این که اکثریت مردم جامعه چیزی را نخواهند خواند، فکسار عمومی را بوجود نمی آورد. موجودیت افکار عمومی به این است که در سیاست های دولت تا شریکدارد. ما در ایران امروز چند درمدا خواهیهای اساسی مردم - مخالفت با جنگ، نیاس آزادی یوناک، نیاس به آزادی دیندگی خصوصی و غیره - در سیاست دولت باز می تابد؟ تقریباً هیچ.

حکومت های استبدادی همواره مطبوعات آزاد را، که در عین حال وسیله بیان افکار عمومی نیز هستند، مزاحم خود می دانند. حتی دردموکراسیها، حکومتها معمولاً دید مثبتی نسبت به مطبوعات ندارند. ولی از مطبوعات، چه بسرای مبارزه با دیکتاتور و چه برای میانست مبانیدموکراسی، گزیری نیست.

حکومت های خودکامها از جمله دلایلی که برای محدودیت مطبوعات با بدسام می باشند و پس از آزادی، این تقریباً "بدان می مانند که بگویند نشان نخست باید گواهی بپیدا کنند تا کسی زخند رستی خود بگیرد و پس از آزادی بهره مند گردد! ولی همان گونه که نشان آزادی معنای انسان سالم نیست، مطبوعات آزادی نیز نباید با مطبوعات سالم یکی انگاشته شود.

در ایران فردا فقط مطبوعات آزادی نخواهند نفس خود را درنگا هدهدموکراسی ایفا کنند. به هیچوجه تمادفی نبود که آیت الله خمینی فرمان استبداد خود را با این جمله ما در کرد که: "بشکنید این قلمهای فاسد را!" همه استبدادها نخست با شکستن قلمها شروع می شود. ولی با قلم می توان به جنگ استبداد رقت، با قلم می توان از آزادی دفاع کرد.

دادگای مدهی که ورا به خاطر اظهار نظریه کردن زمین محاکمه می کرد، از "گناه" خود عذرخواست، گردس زمین را منکر شد، ولی در همان حال پا بر زمین کوبید و گفت: با اینهمه تومی چرخ می... استبداد ایدئولوژیک تنها به زندگی عمومی ما کار ندارد، بلکه می کوشد در خصوصی ترین زاویه های زندگی نشانها نیز نفوذ و آن را کنترل کند. آیت الله خمینی در کتاب "کشف الاسرار" گفته است که دین اسلام راجع به خصوصی ترین مسائل زندگی آدمها حرف دارد و در آن مداخله می کند. این، ما را مکده دین عالم حکومت نیا تد، موجب پیدایش استبداد نمی شود، ولی هنگامی که حکومت را بدست گرفت، بایه های حکومتی استبدادی را می نهد.

من اکنون در این باره بحث نمی کنم که رژیم کمونی ایران توتالیتر هست یا نیست، به دیده من این رژیم توتالیتر نیست، با اینهمه گرایشهای توتالیتر شدن در آن بروشنی دیده می شود؛ از جمله بدین سبب که کارگزارانی دارد که می کوشند جا مع را از حیث ایدئولوژیک کنترل کنند. این کارگزاران، به سبب مورد، مسئولان دایره های عقیدتی - سیاسی، راهنمایان آموزشی، انجمنهای اسلامی، مجمع و غیره نام دارند، و این سوی سیستم جاسوسی و خبرچینی است که رژیم می خواهد به وسیله آن حتی خانواده ها را ز درون زیر نظر داشته باشد.

طبعاً مطبوعات از این نظارت نمی توانند بگریزند. تا دفعی نبود که نخستین قانونی که پس از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی در شورای انقلاب به تصویب رسید، قانون مطبوعات بود. و تا دفعی نیست که دومه سه بزرگ مطبوعات تی کشور - مؤه سه کیهان و مؤه سه اطلاعات - زیر نظارت مستقیم ولایت فقیه قرار گرفتند.

در رژیم های استبدادی آنچه را ما "افکار عمومی" می نامیم نمی تواند شکل بگیرد، زیرا افکار عمومی برای آن که

بیا ورنند تا در آن حال ایرانی ها بتوانند حمله دیگری را نیز همزمان از فضا و آغاز کنند، اما این تقاضای نیتاد، در بخش سوما ر نیز محاسبه فرماندهان ایرانی به واقعیت نیبوست. عراقی ها نیروها نشان را که در فک متمرکز کرده اندجا بحسب نکردند. در نتیجه جنگ در واقع با محاسبات ایرانی ها جور در نیامد. یکی از دلایل توقف جنگ نیز ناشی از همین است. با اینهمه زرمه های درموردیک تنها جم سوم شنیده میشود، پیش بینی میشود که این حمله احتمالاً از منطقه فکد با شد.

نماد بمباران قم

با آنکه عراقی ها طی روزه های اخیر خیر از بمباران شهر قم میدادند، اما تا زه روزین جشنیه بود که رژیم مقرر شد و خبر از تلفات و مجروح شدن تعدادی از اهالی شهر داد. علت آن بود که قصد داشت از روز سوگوار ی قاطعه زهره بهره تبلیغاتی ببرد و در نتیجه خیره های بمباران قم را تا آن روزگتا ن میکرد.

جمهوری اسلامی

از گروه‌های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران

گزارش محرمانه

از سیستان و بلوچستان

رژیم حرف

در حالیکه رژیم بوق و کرنا به دست میباید که بپای نفت در هر بشکه را از طریق سیاست کاهش سهمیه‌های صادراتی کشورهای اروپا و یک به هیجده دلار رسانده، یک کارشناس نفتی که سالها در جزیره خارک خدمت کرده وضعیت استخراج و صدور نفت کشور را اسفنا برتعمیری کند. به گفته این کارشناس هواپیماهای عراقی نه تنها به طولای خود را تا جزیره سیری رسانده‌اند، بلکه خارک را نیز تقریباً "روزانه هدف حملات خود را رند تا جلوی زسازی و ترمیم اسکله‌های ویران شده را بگیرند. نفتی که خارک صادر میشود، فقط از یک اسکله و به مقدار اندکی است. کشتی‌های کوچکی از این جزیره نفت را با رگیری میکنند و وسط دریا تحویل کشتی‌های بزرگتر میدهند تا به جزیره سیری حمل کنند که در آنجا کشتی‌های غول پیکر نفتکش منتظرند تا محموله‌های نفت به جنگ آمده را به بازارهای بین‌المللی برسانند. گرچه این محموله‌ها برای مردم ایران مفست به جنگ نیامده است. به گفته این کارشناس مقدار صدور نفت ایران چیزی در حدود ۵۰۰۰۰ تن هفتصد هزار بشکه در روز است. همین مقام با یک حساب سرانگشتی میگوید که استخراج و حمل این نفت آن هم در مصالحی چنین دشوار و در مناطق جنگی که همواره خطر حمله‌های هوایی را در پیش دارد، نه تنها سودآور نیست، بلکه گران تر از قیمت تمام شده آن برای مردم ایران آب میخورد. بخصوص اگر هزینه بیمه جنگی را نیز به حساب آوریم و صدمات و غرق شدن کشتی‌ها در اثر حملات هوایی را نیز برآنها بیفزاییم عملاً چیزی برای جمهوری اسلامی باقی نمی‌ماند. به گفته‌های کارشناس هواپیماهای عراقی تقریباً تمامی تلمبه‌خانه‌های بین‌راه رامپران کرده‌اند. گاز عملاً تولید نمی‌شود. جاها از کار افتاده‌اند. هواپیماهای عراقی در دسته‌های ۵ تا ۱۰ کلا" پتروشیمی ما شهر را که با هزینه ۴ میلیارد دلار و به کمک ژاسنی‌ها ۹۵ درصد آن احداث شده بود ویران کرده‌اند. پتروشیمی خارک که در اولین سال تاسیس خود با داشتن ۱۲ میلیون دلار سرمایه، نزدیک به ۳۰ میلیون دلار سود داشته‌اند اکنون حتی قادر نیست حقوق کارمندان را پرداخت کند و شرکای امریکایی آن به دادگاه‌های آمریکا ادعای ۲۰۰ میلیون دلار خسارت و زیان برده‌اند که از حساب منجمد شده ايسران در یافت خواهند داشت.

در چنین موقعیت تیره و تاری که برای صنعت نفت پیش آمده است، هیچ‌کس و تبلیغاتی رژیم در مورد نتایج آخرین اجلاس و یک هم‌سخره آمیز و همتا سفاور است. رژیمی که هم از نظر فنی و هم از نظر عملی دیگر قادر به صدور نفت به میزان

سهمیه‌ای که به عنوان یکی از کشورهای عضو و یک برای تعیین کرده‌اند نیست و ناگزیر است نفع صادراتی خود را که یک سوم مخدات تعیین شده است مرحله به مرحله با رگیری کند و از میدان‌های خطر بگذرد و در منطقه‌ای نه چندان امن تحویل خریداران خود بدهد. با حرارتی جنون آمیز خواهان کاهش سهمیه‌ها برای افزایش بهای نفت میشود. با آنکه حتی امروزه بهای نفت به هیجده دلار در هر بشکه رسیده، اما چنان هزینه استخراج و حمل نفت برای رژیم بالاست که سود چندانی عاید ایران نمی‌شود. رژیم با انکاء به اخبار دروغ و رجزخوانی‌های بی پایه کوشید تا تصمیمات آخرین اجلاس و یک را به حساب خود بگذارد و از این باب برای خود تبلیغات کند. اگرچه همه این تبلیغات برای مصرف داخلی صورت می‌گیرد و به قصد تحمیل مردم نا آگاه و بی اطلاع است. عمل رژیم و مسئولان تبلیغاتی تیش به آن میماند که شخصی دربار را ز رفر و روان بر سر پا لان الاغش بیشترین چانه‌ها را بزند. در حالیکه رندان الاغ را از دیده و با خود برده‌اند بودجه سال ۶۶ که چند روز پیش میرحسین موسوی نخست‌وزیر، به مجلس شورای اسلامی داد. نماینده وضع رقت بار صدور نفت است. دولت خمینی که دیگر قادر به فروش نفت نیست و در نتیجه عملاً "زانهین درآمدهای هزینه جنگ عاجز است، بار تمامی درآمدهای بودجه سال آتی را بر دوش مالیات دهندگان بیچاره کسسه کمرشان در بر فشار تورم و کمرانی شکسته است گذاشته. در تاسه مین درآمدهای بودجه ۶۶. سهم نفت به ۳۰ درصد کاهش یافته و در عوض مالیات مستقیم تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. با بداین‌نکه را متذکر بود که همواره، تا موقعی که دولت میتوانست نفت ما در کند، تقریباً ۸۵ تا ۹۰ درصد درآمدهای دولت را ما در ات نفت تاسه مین می‌کرد و قسماً از درآمدهای دولت ناگزیر با پس از طریق مالیات تاسه مین شود، معنیش آنست که دولت تمام می‌سنگینی بار را روی دوش مردم حقوق‌بگیر، اعمال زکار و کاسر و کارمند، کسبه، مشاغل جزء و غیره خواهد گذاشت. به موازات آن، تمام خدماتی که دولت موظف است به مردم ارائه دهد، خدماتی نظیر آب و برق و تلفن و غیره بطور سرمایه‌آوری افزایش خواهد یافت. در واقع مدت‌هاست که تصمیمات دولت به قصد این دست‌آورد کردن و گذران روز و ماه‌هاست است تا فرجی حاصل نشود و اتفاق معجزه آمیز و غیرمنتظره رژیم را از این بن بست نجات دهد. منحل روز آنگار است که این واقعه میتواند مرکز خمینی، کشایشی در کار جنگ، با تحولی غیرمنتظره در کل منطقه باشد. بنابراین

برنا ما از پیش ضبط شده‌ای که تلویزیون زا هدا ن صبح روز نوزدهم دیماه زمولوی نظر محمد دیدگاه، نما بنده مردم را بر شهر در مجلس شورای اسلام، که عملاً از ناسی است، پخش کرده هیچ تشاوتی با برنامه‌های نوع خودش نداشته. مثل تمام این نوع برنا ماها، سخنان مولوی نظر محمد دیدگاه نیز که از روحانیون سرشناس اهل سنت استان ستمدیده سیستان و بلوچستان است، مشا به دیگر برنا ماها به زور تهدید و اوعاب و فشارهای روانی و جسمی طاقت فرسا گرفته شده است. این برنامه‌ها که آنها را عادتاً "روزه" اعترافات" نامیده‌اند تا به آن این مفهوم را بدهند که گویا با تمایل قلبی خود شخص ترا هم شده، تاکنون به قضاوتین و تبلیغ شکستنا پذیری و الهی بودن رژیم خمینی بوده است، اما تعداد این اعترافات بقدری افزایش یافته است که هم به اصطلاح ریش درآمده و هم دیگر تاسه مین چندان برتسا گرش ندارد. اگرچه ممکن است برخی از این "اعترافات" در ابتدا مؤثر بوده باشد، اما کما ملاً به دلایل دیگری بوده که ربطی به دعا‌های جمهوری اسلامی ندارد. از جمله این "اعترافات" نمایش‌های تلویزیونی سران حزب توده را با بدنام برد. از آنجا که سرمداران بیرونی خود را به داشتن روحیه‌های بی‌ولادین می‌نمودند و استقامت و پایداری آنها را در برابر فشار و شکنجه‌ها اعمالی قهرمانی جلوه می‌دادند، چون خودشان نتوانسته بودند در برابر این فشارها مقاومت کنند و روحیه‌شان را با خند، از چشم مردم افتادند و مورد تمسخر و استهزاء قرار گرفتند. در نتیجه کماتی نظیر مولوی نظر محمد که در این زمینه‌ها عیبی نداشته‌اند، تن در دادند تا به اعترافات عملی به مقوله صیانت ذات ویرای رها بی از فشار روانی و جسمی که در رژیم خمینی فنی سبیل الله در حق همه مخالفان به کار می‌رود، تاسی می‌شود.

تا زه‌ترین مورد از این نوع، "اعترافات" مولوی نظر محمد است و طبعاً آخرین آن نیز نخواهد بود. دیگر مدت‌هاست که مردم ایران متوجه شده‌اند رژیم خمینی می‌کوشد تا تمامی مسائل و مشکلات را به شیوه بی‌جمل کند که خاص خود این رژیم است و در آن کمترین رحم و شفقت و دوراندیشی و بصیرت راه ندارد. این شیوه به کار بردن زور است. حماقت و سماجت در به کار بردن شیوه زور تا، آنجا است که اعمال رژیم به آن می‌نهد که بخواد هد تیرا هنی را از سوراخ بوزی بگذرانند. مردم سیستان و بلوچستان که از محروم‌ترین و ستم‌دیده‌ترین مردم نقاط کشورمان هستند به این نکته خوب آگاهی دارند. به نظر می‌رسد که حتی در دستگاه دولتی جمهوری اسلامی هم آگاهی به این حقیقت با لاف پییده شده باشد. اما شیوه‌های که یک رژیم به کار می‌برد چنان با طبیعت آن هماهنگی دارد که به دشواری میتوان از جمهوری اسلامی توقع رحمت و بصیرت داشت. بهر حال، یک سند بسیار مهم و با اهمیت که در بخش پژوهش نخست‌وزیری تهیه شده و بظهور محرمانه برای مقامات سطح بالای جمهوری اسلامی فرستاده شده است و نسخه‌های آن در اختیار ریاست‌نشان می‌دهد که حتی بطور برجسته و سطحی هم گفته‌اند، وضع رقت بار استان سیستان و بلوچستان در آن منعکس گردیده. ما در اینجا بخش‌هایی از اعترافات گردیده، ما در اینجا بخش‌هایی برنا مریزی و بودجه را از این تحقیق استنساخ می‌کنیم تا به حقایق که در استان سیستان و بلوچستان حاکم است بی‌بیرود و دریا به رژیم چگونه به کسک زور قصد ا ردا توانی‌های خود را بیوتا دور مسائل و مشکلات سرپوش بگذارد.

سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه اعتراف می‌کنند که: "در مدتی لایسی از دانشجویان دانشگاهی این استان به علت مسائل سیاسی و درگیری‌های عقیدتی با از منطقه رفتند و با اخراج شدند. گاهی

انسان فکرمی کند که انگار توطئه‌ی برای اخراج این جوانان دانشجو در کار بوده. البته حق با این سرپرست برنا مریزی و بودجه است. چون نتیجه این توطئه آن بوده که اکنون این استان ستم‌کشیده از نیروهای متخصص بکلی خالی شده است در حالیکه آوندها تمام می‌کنان را می‌خواهند به گردن رژیم گذشته بیندازند. خودشان مسبب اصلی بدبختی‌های مردم این استان هستند. سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه استان سیستان و بلوچستان می‌گوید: ما در این استان به‌دست درستی ندا ریم. تعداد دبشکان خیلی کم است. تعداد درمیش‌ها خیلی زیاد. در همین زا هدا ن که مرکز استان است وقتی چهارم مریض می‌شود یا پدر و پوم او صحبتاً عمر منتظرینشیم و تا زه آغوش هم یک پزشک هندی یا سنگلادشی که هیچ چیزش نمی‌شود و را معاینه میکنند. او در باره وضع اقتصاد استان اعترافات تکان دهنده‌ای دارد: "خشکسالی که چند سال پیش آمد منتهی به زیاد دی به منطقه زد. شاید ما تل سیاسی با عت بوجود آمدن خشکسالی شده بود. بهر حال، زابل تا قبل از آن انبار غله کشورنا میده میشد. از آن سال به بعد دیگر زابل کمراست نگرد. از لحاظ محمولات کتا وزی، نظیر گوشت پرند و ماهی لطیفه‌سختی وارد شده از بین رفت. در آن سال تمام ماها از بیسن رفتند و نیا زبیش از حد با عت شد که نیروی عظیمی همگی کوچ کردند و از این منطقه رفتند. دولت با نتوانست با نخواست کمکی در اختیار افرادی بگذارد که در زابل مانده بودند. سبلی که دوسه سال پیش به دنبال سرمای منطقه آمد، دوباره لطمه دیگری به منطقه زد و ما عت عده دیگری را به دنبال داشت. مثلاً از روستای سدیف که چهار صد با تصد خانوار جمعیت داشت فقط چند خانوار باقی ماندند. منحصراً سیستان اکثر از منطقه خا رچ شدند. من فکرمی کنم تا چند سال دیگر چیزی از زابل باقی نخواهد ماند. منطقه زابل بطلت نزدیکی با افغانستان شده و فلسطین افغانها، اینها اسلحه می‌کشند و میکوبند پس نما بنده ما در مجلس اسلامی کجاست؟ افغانها با عت گران منطقه شده‌اند. بهتر است داوی درمانی را که در هیچ داروخانه پیدا نمی‌کنید، میتوانید از افغانها در کنار خیابان و یا در کاراها بخرید. این افغانها بیمه ریه‌های عجیبی با خود آورده‌اند که شدت در منطقه رایج شده است. سبلی یکی از بیمه ریه‌های است که میکوبند از افغانستان آمده. مسئله اعتباری هم یکی دیگر از گرفتاریهای منطقه است که عده‌ای دیگر از نیروهای متخصص را نابود کرده."

از آنجا که شیعه‌وسنی در این استان در جواریکدیگر زندگی می‌کنند، یکی از مسائل جمهوری اسلامی با تبلیغات مسموم خود به آن‌ها من زده برانگیختن حس تعصب و دشمنی و نفرت نسبت به هموطنان اهل سنت است. سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه می‌گوید: "قبل از انقلاب تعدادی گروهی خیلی زیاد بود. بلوچ با فارس ازدواج میکرد. در عین حال که عده‌ای شیعه بودند و عده‌ای سنی، مسائل مذهبی مطرح میشد. حتی من دیده بودم که عمرگنان می‌کردند و بلوچ رد میشد. نگاه میکردوا "ملا" اهمیت نمی‌داد. بلوچ در منزل فارس (شیعه) نماز می‌خواند، آن هم به شیوه خودش. در دانشگاهها چه استا دوچه‌ها کرد یک کارهایی را شروع کرده بودند همه اینها از بعد انقلاب عوض شده."

به عقیده سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه که در تحقیق محرمانه نخست‌وزیری منعکس شده، تنها مزبیشی که جمهوری اسلامی برای اهالی این استان داشت این بود که بلوچ‌ها توانستند لباس محلی خودشان را بپوشند. وگرنه به علت بالا گرفتن آتش تعصب و دشمنی میان بقیه در صفحه ۱۱

سروس امیدوار

دامنه گشتار و ویرانی

نام دین پذیرفتن، این نشان می دهد که بذرتبلیغات

جنگ اول جهانی چه سال طول کشید، و پس از آن که پایان یافت، منظره سیاسی - جغرافیایی جهان، بویژه اروپا و خاورمیانه، دیگر آن نبود که در آغاز جنگ بود، بسیار دیگرگون شده بود؛ دو امپراتوری بزرگ، امپراتوری اتریش-مجارستان و امپراتوری عثمانی، تجزیه شدند. هسته های مرکزی آن دو امپراتوری، امروز دیگر در شمار کشورهای نیرومند و طراز اول جهان نیستند، سرزمین های کوچکی هستند همانند کشورهای دیگری که جزو رنگارنگ آن امپراتوریها را تشکیل می دادند و پس از پایان جنگ اول جهانی به استقلال رسیدند.

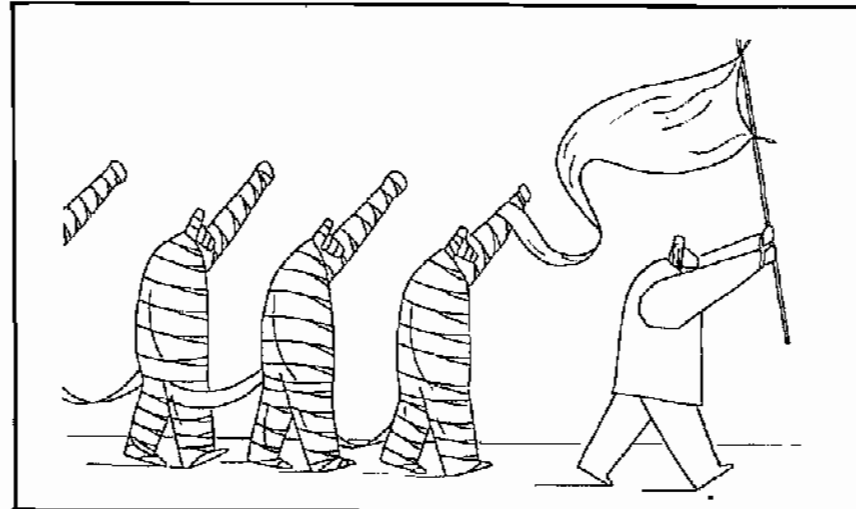
جنگ دوم جهانی شش سال طول کشید، بر اثر این جنگ منظره جهان تغییرهای بزرگ یافت؛ اروپا که پیش از آن قدرت بزرگ جهان بود، سرانجام مناکزیر شد در مقایسه آمریکا و شوروی، برپله پائین تری قرار گیرد. پس از این جنگ، قدرت از اروپا به این سوی و آن سوی اقیانوس اطلس نقل مکان کرد، نیز پس از این جنگ جهانی بود که قیامها در مستعمره ها آغاز شد و کشورهای استعمار زده، یکی پس از دیگری، به استقلال دست یافتند.

و اینک بنگریم جنگ جمهوری اسلامی و عراق را که هم از جنگ اول جهانی بیشتر طول کشیده است و هم از جنگ دوم، در این جنگ، اگر چیزی قابل مقایسه با دو جنگ جهانی پیدا شود، همانا دامنه گشتار و ویرانی آن است، و گرنه این جنگ تاکنون هیچ تغییری در منظره جغرافیایی - سیاسی نداشته است و اگر بیست سال دیگر هم طول بکشد، نخواهد داد، مگر اینکه قدرت های که برای تجزیه ایران در کمین نهشته اند، فرصتی پیدا کنند و از این باز آشفته سود بگیرند.

اما تبلیغات رژیم اسلامی بر آن است که جز این القا کند، می خواهد چنین نشان دهد که این جنگ از غزوه های پیامبر و سپاه لشکرکشی ها که موجب گسترش حیرت انگیز قلمرو خود اسلام شد، اگر مهمتر نباشد دست کم با آنها برابر است. تبلیغات رژیم تهران هیچ باکی از این ندا رد که خمینی را با پیامبران بزرگی مقایسه کند که به شمشیر یا کلام و دعوت، دین خود را به اکناف جهان گسترده اند، دیوارهای شهرها و روستاهای ایران، نام روح الله خمینی، به دنبال ابراهیم و موسی و عیسی و جمدها آورده شده است. و نوشته اند: روح الله خمینی، بلکه نوشته اند: خمینی روح الله است! ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم الله و محمد رسول الله را بیاد آورد.

و از زبان مهدی بازرگان، که در دیدن او و تردیدی نیست، بشنویم که مردم ایران در این باره چه می گویند، می گویند دین را رها کردن بهتر است تا چنین حکومتی را به

سؤالها را با کارگزاران رژیم در میان بگذارند، دست کمی تواننده آنها را نزد خود مطرح کنند. می پرسند به فرض که رژیم راست بگوید و داده ها طرا سلام به این جنگ داده مسه می دهد، ولی کدامیک از احکام اسلامی می توانند توجیه کنند این را که سه در راه هدفی آن چنان، تلفات و خساراتی



این چنین بردولت همگیش و همسوار وارد آید؟ کدامیک از احکام اسلامی به آفتاب خمینی اجازه داده است که برای تغییر حکومت در کشوری دیگر، از نوجوانان گرفته تا جوانان و سالخوردهگان را هزار هزار ربه گشتارگاه جنگی بفرستد که دارد با

خمینی بر زمین مسا عدی که جزا طاعت کورکورانه از منولیا ن راست یا دروغ دین نمی تواند باشد سافنا نده نمی شود. مردم سالهاست که در باره انگیزه های دامنه این جنگ هولناک اندیشیده می کنند، آنها سؤال های بسیار در این باب دارند، اگر نمی توانند این

مرزهای تازه

می خواسته است نشان دهد که قلمرو امنیت ملی آن تا کجا گسترش می یابد. از سوی دیگر اروپای غربی و ژاپن نیز به عنوان مصرف کننده اصلی نفت خلیج فارس نمی توانند به آنچه در ایران امروز می گذرد، بی اعتنا باشند. توازن استراتژیک تمام منطقه، چه در اثر بیروزی نظام جمهوری اسلامی چه در اثر خطری که تمام ایران را تهدید کند، در هر دو حال بهم خواهد خورد. و این رانه اروپای غربی می خواهد دونه زاپن. هر محاسباتی درباره توازن استراتژیک در منطقه، اگر عامل شوروی از آن کنار گذاشته شود، محاسبه نادرستی خواهد بود. شوروی اگرچه با اشغال نظامی افغانستان لطمه بزرگی به او و پذیرایی سیاست تنش زدا می خود زده است، ولی با دمیدن عمرگوریا چف و دامنه آن وارد مرحله تازه ای خواهد شد که بسیار دوران برزنتف تفاوت های عمده ای خواهد داشت.

در زمان برزنتف، ایران حق داشت از همسایگی با شوروی احساس نا راحتی نیز بکند، ولی گوربا چف عا لقا "با مسائل مهمتری دست به گریبان است. اگر شوروی بتواند در افغانستان به پیدایش حکومتی استوار برتفا هم ملی کمک واقعی کند، ایران دیگر هیچ دلیلی برای نگرانی از این بابیت نخواهد داشت که شوروی نیرومند، همسایه اوست. یک ایران نا وابسته و مستقل بسیار آسان خواهد شد و سیاست همزیستی صالحت آمیز با شوروی ادا خواهد شد. شوروی به نوبه خود نمی تواند این را

حدا کثر طرفیت کا رمی کند؟ یک میلیون نفر در این جنگ کشته شده اند این رقمی است که حتی گفتنش هم آسان نیست، اگر واقعاً حکومتی جزو رژیم خمینی مسئول این خونریزی هولناکی باشد که مسلمانان را در برابر مسلمانان قرار داده است، پس چرا پیش از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی تهران، در منطقه ویرانی و گشتاری روی نداده است که بسیار جنگ

کنونی قابل مقایسه باشد؟ آخرا زکجا و از کجا ایران تیان برای تغییر حکومت در عراق چنین عطشان شده اند که برای دستیابی بدان منظور صدها هزار کشته بدهند، به همین اندازه معلول و آواره داشته باشند و اقضا دکشور را بسه خاک سیاه نشسته ببینند؟ پس از شش سال و اندی جنگ، شیخ علی کبر رفسنجانی تا زه بیادنی افتاده است که با پیدایش جنگی عراق را تا نبود کند. این ماشین جنگی اگر تا نبوده بود که تاکنون شده بود، آیا بهتر نیست که هاشمی رفسنجانی، برای یک بار هم که شده، سخن راست با مردم بگوید؟ هدف این جنگ نابود کردن ماشین جنگی عراق نمی تواند باشد. هدف نابودی نیروی انسانی، نابودی اساس جامعه مدنی، نابودی اقتصاد ملی است. و این هدف هم اکنون بدست آمده است.

برای مدتی طولانی تحمل کند که مرزهای جنوبی خویش را تا آرمینیا بد، آشفته گسی و بهم ریختگی در خانه همسایه، هر قدر هم که کوچک باشد (حال آنکه ایران از هیچ لحاظ همسایه کوچکی نیست) به هر حال همسایه بزرگ را نا راحت خواهد کرد. همه نشانه ها حکایت از آن دارد که شوروی نیز در ایران با سیاست ونا وابسته به دیده مثبت و به چشم تاخیر می نگرد. با در نظر گرفتن مجموعه این احوال، می توان گفت که رژیم جمهوری اسلامی پیش از همه دولت های دیگر از تغییراتی که در پیش است احساس خرمی کند. این احساس خطر البته فقط از آنرو نیست که موقعیت بین المللی رژیم خمینی از ضعف و انزوا ی شدید رنجور است، بلکه بیشتر بدان سبب است که زمینه اجتماع رژیم در داخل مدامست ترمی گردد. ما در باره با یگا ههای اجتماع از دست رفته رژیم با رها سخن گفته ایم. برآستی امروز دشوار است برای رژیم تهران با یگا ه اجتماع جدی بی یافتن رژیم به سر نیزه، پاسدارانش و به نهادهای سرکوبگرش متکی است. حتی آیت الله خمینی و اطرافیانش نمی توانند بسیاری مدتی طولانی روی سر نیزه بنشینند. دور و بیرجنان خالی شده است که ضربه دست سرکوبگران، هرگاه که ببلند می شود، جز به نزدیکی خودش اجابت نمی کنند: مهدی هاشمی و سید احمد کاشانی شناخته شده ترین این نزدیکانند. حکومت اسلامی خود نیز به جان خویش افتاده است. این سر نوشت همه رژیم هاشمی است. با یگا ههای اجتماع خود را، یکی پس از دیگری، از دست می دهند.

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

بمباران شهرها

نماینده خبرگزاری فرانسه در تهران، در گزارشی راجع به جنگ می نویسد: به نظر می رسد ائتلاف جنگ که در روزهای ۱۹ و ۱۵ ژانویه به وسیله جمهوری اسلامی در جبهه‌های جنوبی و مرکزی شعله ور شد فروکش کرده است زیرا روز ۱۹ ژانویه رسانه‌های جمهوری اسلامی اطلاعات بسیار کمی راجع به عملیات کربلا منتشر کردند. تنها بیانه‌ای که در روز دوشنبه ۱۹ ژانویه مربوط به عملیات کربلا ۵ است که ۱۲ روز پیش به طرف بصره آغاز شد. در این بیانه بدون ذکر آمار و ارقام تنها از پیشرفت اندکی به سوی بصره سخن رفته است. بر اساس این بیانه نیروهای جمهوری اسلامی با عبور از رودخانه "جاسم" مرحله سوم عملیات کربلا ۵ را آغاز کرده‌اند.

در این حال عراق می‌گوید فتنه‌خوهران در نیروهای جمهوری اسلامی در توارا به مساحت ۵۰ کیلومتر مربع افزایش داده است.

روزیکنشبه ۱۸ ژانویه هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی بدون آن که توضیح بیشتری بدهد اعلام کرده بود که نیروهای جمهوری اسلامی از شط العرب عبور کرده‌اند. به گفته یک منبع رسمی دیگر عبور از شط العرب در سق شمس عراقی "بوالخصیب" صورت گرفت که حدود ۲۰ کیلومتری بصره واقع شده است. رادیوی جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که نیروهای رژیم تهران در ۴۰ متری شهر "بوالخصیب" هستند. بیانه‌ای که جمهوری اسلامی از عملیات کربلا ۶ در جبهه مرکزی سخنی به میان نیاورد است. عملیات کربلا ۶ روز ۲۴ دی ماه در منطقه مرزی سوما روینت شهر برای باز پس گرفتن اراضی ای صورت گرفت که عراق در آغاز جنگ اشغال کرده بود. بیانه‌های فتنی جمهوری اسلامی حاکی از این بوده که نیروهای جمهوری اسلامی در این منطقه ۱۵۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده را پس گرفته‌اند.

گزارشگر خبرگزاری فرانسه در تهران به نقل از ناظران می افزاید: از آغاز عملیات کربلا ۶ تا بحال، تلویزیون جمهوری اسلامی که از عملیات کربلا ۵ فیلم‌های فراوانی نمایش می‌دهد، هیچگونه فیلمی از عملیات کربلا ۶ نشان نداد و در روزنامه‌های جمهوری اسلامی نیز عکسی از کربلا ۶ دیده نشده است.

از سوی دیگر خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که توپخانه سا حلی جمهوری اسلامی روزیکشبه ۱۸ ژانویه یک کشتی عراقی را در خور عبدالله غسرق کرد.

تا عصر ۱۹ ژانویه تهران خبرهای مربوط به بمباران اصفهان، دزفول، قم و تبریز را تا شنبه نگرفت. روزیکشبه ۱۸ ژانویه ۹ شهر جمهوری اسلامی از جمله سنج هدف بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفت. بر اساس آخرین آمار جمهوری اسلامی در این بمباران ۲۲۵ تن کشته و ۵۰۰ تن زخمی شدند. روزنامه کیهان چاپ تهران نوشت که ۸ فروند هواپیما عراقی ۱۸ نقطه شهر سنج را با بمب وراکت و موشک‌های هوا به زمین هدف قرار دادند. نماینده خبرگزاری فرانسه در تهران، در دنباله گزارش خود می‌افزاید: بعد از ظهر روز ۱۹ ژانویه با ردیگر ژیر خلسر هوایی به مدت ده دقیقه در تهران به صدا درآمد اما دفاع ضد هوایی وارد عمل نشد. در این میان یک خبرنگار دیگر ایرانی به نام هوشنگ نوری که برای رادیوی جمهوری اسلامی کار می‌کرد، در جبهه بصره قتل رسید. بغداد روز ۱۹ ژانویه اعلام

خلیج فارس در اختیار آمریکا قرار دهند و از سوی دیگر با ادا می‌افتن جنگ سفود خود را در جمهوری اسلامی برقرار کنند. لوماتن می‌افزاید: مسئولان

عراق در همین حال فاش کردند که ما برای فروش اسلحه آمریکا می‌بهره جمهوری اسلامی و نفتی که اسرائیل در این میان برعهده گرفت، به نفع عراق تمام شد زیرا باعث گردید موقعیت عراق در جهان اسلام و عرب بطور قابل ملاحظه‌ای تقویت شود.

لوماتن - ۲۱ ژانویه ۸۷

نبردهای دریاچه ماهی

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، دولت آمریکا روز ۲۱ ژانویه اعلام کرد که نیروهای جمهوری اسلامی در جبهه جنوبی پیشرفت‌های بسیار کوچکی بدست آورده‌اند، ولی خطر سقوط شهر بصره وجود ندارد.

خانم "فلسین اوکلی" سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا روز ۲۱ ژانویه اظهار داشت: نیروهای جمهوری اسلامی در روز سه‌شنبه ۲۰ ژانویه سعی کردند از سرپل خود در دریاچه ماهی خارج شوند، ولی نیروهای عراقی جلوی این حمله را سد کردند. با وجود این چندواحد از نیروهای بیاده جمهوری اسلامی در جنوب این منطقه اندکی بسوی غرب پیش رفتند، ولی هنوز نیروهای جمهوری اسلامی به خطوط پیشرفته عراقی نرسیده‌اند. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نگرانی ایالات متحده را از آزادانه جنگ و تلفات عظیم انسانی ناشی از آن اعلام کرد و افزود: این جنگ خطری واقعی برای نیابت تمام این منطقه است. خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: از سوی دیگر مفسران آمریکایی معتقدند که نیروهای جمهوری اسلامی طرف‌روزی‌های آینده زنجی خواهند افتاد، ایس‌سی کارشناسان تا کنون می‌گویند که جمهوری اسلامی به ندرت توانسته است هجوم‌های بزرگ خود را بیش از ۲۰ روز ادامه دهد. زیرا با مشکلات بزرگ لجستیک و پشتیبانی روبرو می‌شود.

کارشناسان نظامی آمریکا با توجه به سلاح‌ها و استحکاماتی که عراق در اختیار دارد تلفات جمهوری اسلامی را سه برابر تلفات عراق برآورد می‌کنند. بیانه عقیده کارشناسان جمهوری اسلامی این است: زنجی برای تا سه مین اسلحه و مهمات برای نیروهای خود که در شمال قلمرو جنگند با مشکل روبرو خواهند شد.

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه - ۲۲ ژانویه

تهدید کنفرانس اسلامی

یک سال زمان تروریستی نوظهور به نام "کمیته دفاع از زندانیان سیاسی عرب در کویت" روز ۲۰ ژانویه در بیانه تهدید کرد چنانچه کویت ۱۷ تروریست عضو حزب الدعوة که در آن کشور زندانی هستند رها نکنند، شرکت کنندگان در کنفرانس اسلامی کویت را از زمین خواهد برد. شخص ناشناس که خود را سخنگوی سازمان مذکور می‌خواند در یک مکالمه تلفنی با دفتر خبرگزاری فرانسه در بیانه گفت:

"اولین هدف ما انفجار در کویت است. قبل از برگزاری کنفرانس خواهد بود. قرار است کنفرانس سران اسلامی روز ۲۶ ژانویه در کویت آغاز شود. ما تا بحال سه سال زمان تروریستی و بسته به جمهوری اسلامی یعنی سازمان جهاد اسلامی، جنبش اسلامی انقلابی و "سازمان عدالت انقلابی" به مناسبت برگزاری کنفرانس اسلامی کویت را تهدید به عملیات تروریستی کرده‌اند. به گفته مقامات کویتی دوشنبه ۱۹ ژانویه حوادث کوچکی در بیست‌سارهای تاسیسات نفتی کویت رخ داده است. ناظران خاطرنشان می‌کنند که جمهوری اسلامی با تمام امکانات خود سعی دارد از برگزاری کنفرانس اسلامی در کوییت جلوگیری کند و عملیات کربلا ۴ تا ۶ نیز که به مرگ حداقل ۲۰ هزار تن از نیروهای جمهوری اسلامی منجر شد، در همین رابطه صورت گرفت. به گفته همین ناظران تشکیل کنفرانس اسلامی در کویت یک تست بزرگ دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود.

در این حال کویت از زمین‌ها خواست به

دلایل امنیتی پروازهای بین بیروت و کویت را از ۲۰ ژانویه تا اول فوریه قطع کند.

۱۷ تروریستی که "کمیته دفاع از زندانیان سیاسی عرب در کویت" خواستار آزادی آنها شده است همان گروهی هستند که با رها شدن آنها در زمان جنگ در مقابل آزادی دوگروگان فرانسوی خواستار آزادی آنها شده است. این عده عبارتند از ۱۲ عراقی، سه لبنانی، یک کویتی و یک عرب بدون تابعیت که عضو حزب الدعوة و وابسته به جمهوری اسلامی هستند و در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۲ به یک سلسله عملیات انفجاری در کویت دست زدند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۱ ژانویه ۸۷

خودداری

ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه، روز ۲۱ ژانویه از پذیرفتن علی‌آهنگسی، فرستاده جمهوری اسلامی خودداری کرد. علی‌آهنگسی مدیرکل آمریکا و اروپای وزارت امور خارجه، جمهوری اسلامی که در رأس هیئتی به منظور اعاده ساری روابط جمهوری اسلامی و فرانسه روز ۱۸ ژانویه وارد پاریس شد. دوشنبه ۱۹ ژانویه به مدت دو ساعت با ژان برنارد رومون، وزیر امور خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرد. همان حال منابع مطلع در پاریس اعلام کردند چنانچه مذاکرات بخوبی پیش رود ژاک شیراک روز شنبه ۲۰ ژانویه آهنگسی را بحضور خواهد پذیرفت. اما نخست وزیر فرانسه دیدار با او را نپذیرفته است. خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که علی‌آهنگسی در پاریس از سوی میرحسین موسوی برای نخست‌وزیر فرانسه است.

آهنگسی روز ۲۰ ژانویه با یکسای از اعضای دفتر شیراک دیدار کرد. به نوشته خبرگزاری فرانسه، به نظر نمی‌رسد که در مذاکرات علی‌آهنگسی با "ژان برنارد رومون" که به طور عمده اختصا به آزادی گروگان‌های فرانسوی در لبنان داشت، تحول چشمگیری رخ داده باشد. از همین رو ژاک شیراک از پذیرفتن وی خودداری کرد. دیدارهای علی‌آهنگسی به تهنیت‌سبب ۲۰ ژانویه در سطح ملاقات با رئیس دفتر وزیر امور خارجه تنزل یافت. وی قسرا است روز چهارشنبه ۲۱ ژانویه پاریس را ترک کند.

سفارت جمهوری اسلامی در پاریس می‌گوید روز ۲۰ ژانویه اعلام کرده که علی‌آهنگسی بعد از ظهر روزیکشبه کنفرانس مطبوعاتی برگزار خواهد کرد ولی چند ساعت پس از تاخیر این مطلب خودداری کرد.

خبرگزاری فرانسه - ۲۱ ژانویه ۸۷

پیام صلح

به گزارش خبرگزاری فرانسه، صدراعظم حسین رئیس‌جمهوری عراق در بیانه خطاب به مردم ایران، خواستار ختم جنگ ایران و عراق و برقراری صلح کامل میان دو کشور شد.

وی در پیام خود خطاب به ملت ایران گفت که عراق هرگونه حمله جدیدی را با نکتت روبرو خواهد ساخت و بدون عقد قرارداد صلح، مرگ وسیع آبرویی در انتظار متجاوزان خواهد بود.

صدراعظم حسین در پیام رادیویی خود تا کید کرد که عراق فقط در حال دفاع از سرزمین و اماکن مقدس خویش است و قصد اشغال ایران یا اماکن مقدس آنرا در سر ندارد. وی یکبار دیگر بر این شرط اصلی کامل میان دو کشور را بر شمرده است: عقب نشینی کامل و بدون قید و شرط به مرزهای بین‌المللی، مبادله کلیه اسیران جنگی، امضای قرارداد صلح و عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی هر یک از دو کشور، و تعهد دو کشور برای حفظ ثبات و امنیت منطقه بخصوص در خلیج فارس.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، پیام صدراعظم حسین در بیانه سخنپی بود که اخیرا "خبرگزاری ملی" از مردم ایران خواسته بود به بیانه برادران خود در مرکز جنوب جبهه

خبرگزاری فرانسه - ۲۲ ژانویه

میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم تهران روزی در مصاحبه‌ای با روزنامه "جمهوری اسلامی" گفت: "یکی از راه‌های موفقیت ما این است که اطلاعات و اخبار به وفور در اختیار ملت و رسانه‌های گسرویه قرار می‌گیرد."

نخست وزیر اسلام‌گرا می‌گوید که اطلاعات و اخباری که به وفور در اختیار رسانه‌های همگانی قرار می‌گیرد، از کدام نوع است. ولی سیاست اطلاعاتی رژیم از همان نخستین روز به قدرت رسیدن باحتیاجات ما همپیش از آن، هنگامی که ما قدامت خمینی در پاریس، این بود که خبرها و اطلاعات را به وفور پخش کند، لیکن نه خبرهای راست، بلکه خبرهای دروغ یا نیمه دروغ. دروغگوئی اکنون یک رکن سیاست اطلاعاتی رژیم اسلامی است. همان‌گونه که دروغگوئی را در شمارگناهان بزرگ می‌آورد. احکام روشن و صریح دین سبب نشد که رژیم اسلامی در زهدان دروغ شکل نگیرد، در قساوت زانه نگردد و در خونت رشد نکند.

آیت‌الله، یعنی "نشانه خدا"، وقتی که به قدرت رسید، خود را به نیطان بسیار نزدیکتر نشان داد. هیچکس از آنچه را که می‌گفت خواهد کرد، نکرد، و همه آن‌ها را که گفت نمی‌کند، کرد. گفت روحانیان به مجسدها با زخا هندگشت و اداره امور را به کارشان غیر آخوند و آخوندان سپرد، ولی در عمل کارشان غیر آخوند را از همه شغل‌ها و مقام‌های کلیدی تصمیم‌گیری را نهند و آخوندهای عبادت‌گرای بی‌عاشق را به جای آن‌ها نشانند.

راز موفقیت در جمهوری اسلامی

گفت که آب و برق و تلفن و رفت و آمد شهری همه رایگان خواهند شد، ولی نه تنها چنین نشد، بلکه مردم ایران اکنون باید برای این خدمات بی‌حسابی چندین برابرهای قبلی بپردازند. گفت که هیچکس را به سبب عقاید سیاسی حتی با زخواست نخواهند کرد، ولی کاش فقط با زخواست می‌کردند، عقاید سیاسی خلاف آنچه آیت‌الله می‌گوید، مجازات‌هایی بین زندان تا مرگ دارد.

گفت حکومت او، چون اسلامی است، حکومت برکت و رحمت خواهد بود، اما در عمل جز نکبت و خشونت برای مردم ایران به ارمغان نیاورد. گفت که ما، یعنی متولیان دین از آن نوعی که خمینی می‌فهمد، با هیچکس که ما مسا دشمنی نکنند، عداوتی نخواهیم داشت، و حتی غیرمسلمانان نیز خواهیم داشت. در پناه اسلام ایمن و آزادی‌هاست. ولی در حالی که غیرمسلمانان خارج از چندین کاری نداشتند، نخست‌بدر روی مسلمانان داخل شمشیر کشید و سس دست‌تجا و زبده‌سوی همسایگان مسلمان برداشت. کویا و نیکنکارا گوشت، به رغم فاصله‌ها، دراز، چاه‌ها، حیث جغرافیائی و جاه‌طلبی، باز

هم از جمهوری اسلامی چندان دور نبودند که رژیم تهران در بسیاری موارد سیاست خارجی خود را با آن‌ها همسوت کند، ولی در عوض عراق و دیگر اعراب نزدیک، به رغم قرابت دینی و نزدیکی جغرافیائی می‌بايست بیشتر از دیگران گزندند. ما را می‌باید به نام رژیم اسلامی راجس کنند.

البته در حالی که اسلام خمینی برای هیچ کشوری در جهان بشراتی نداشت، خونین‌ترین نمره را در کارنامه خود، در ادامه جنگ با عراق گذاشت. تاکنون هیچ کافر ایستاده مسلمان را بر خاک هلاک نیفتاده است که رژیم خمینی در جنگ با عراق، مردی که لباس روحانیت بدتن داشت و پیش از آن که زما مسدار شوم می‌گفت حتی مگر را نباید بکشت چون مخلوق خداست، سر از آن که به قدرت رسید، خم به ابروی نمی‌آورد و از اینک که جوانان و نوجوانان هزارها را در خون می‌غلتاند، نه تنها خم به ابروی نمی‌آورد، بلکه دست‌خوش لذتی شهوانی نیز می‌شد. خمینی، هنگامی که می‌گفت "اسلام خون‌ناز می‌خواهد" از فرط

لذت‌طلب‌های خود را می‌لبسید. "خداوندگار مگس‌ها" در فاصله‌های کوتاه خود را قاتل هزاران هزار انسان نشان داد. چه آن‌ها که زیر تیغ دژخیمان رژیم و جان‌دادند و چه آن‌ها که در جبهه‌های جنگ بر خاک هلاک افتادند و همچنان می‌افتند.

در باره این جنگ فقط آنچه گفته می‌شود و با مبالغه گفته می‌شود، غم‌انگیز است. تلفات جانی آن را، مناسبتاً، تا همین سلاطین آن را، همچنان از مردم مکتوم نگاه میدارند.

نه تنها اطلاعاتی در این باره به مردم نمی‌دهند، بلکه حق سؤال کردن نیز برای هیچکس، حتی نمایندگان مجلس خودشان، قائل نیستند.

میرحسین موسوی یک ساله و اندی پیش گفت که یکی از راه‌های موفقیت حکومت تهران این است که اطلاعات و اخبار را به وفور در اختیار رهنگان قرار می‌دهد، حال آنکه در ازای افشاش کرده نه موفقیتی بدست آورده است. از یکسال و اندی پیش تاکنون رژیم اسلامی در راه دروغ‌گویی بیشترتی به مراتب بیشتر کرده و فاصله‌های درازت سرگذاشته است.

این در حالی است که رژیم تهران باید سرانجام برای مردم روشن کند که از موفقیت‌های خمینی فهمد، به هر حال، دروغ‌های رژیم را باید خوار و خوار انداز گرفت و موفقیت‌هایش را منقار منقار.

پیش از این دستور (۱۰ آبان ۶۵) کفزار نیست بعد از این با کف و گوشت کار نیست اما در خلوت یک یک امیران را جدا گانه پیش خود خوانند و گفت هر یک را "به دین عیسوی" تا بحد حق و غلبه من توری وان امیران دیگر، انبیا توری کرد میسی جمله را انبیا (= بی روان) توری هر امیری کوکشد کردن بگیرد یا بکشد، یا خود می داری امیر لیک تا من زنده ام، این و امیر تا منمیر این ریاست را مجبو اینک این طوما را احکام مسیح یک به یک بخوان تو بر امانت فصیح... هر یکی را او یکی طوما را داد هر یکی ضربه بگریزد، انبیراد متن آن طومارها را بدستلف چون حرف آن جمله، انبیا الف... پس از این فتنه انگیزی، چهل روز دیگر به خلوت بنشست و آن‌ها خود را بکشت. مردم چون از مرگ و آگاه شدند شور قیامت برپا شد و تمام خلایق بگورا و کودا آمدند و خاکی تربیت او را سرخویش ریختند و از آن پس بود که فتنه و اختلاف و جنگ خانگی میان مسیحیان آغاز شد، خلایق از امیران خویش پرسیدند که چه کسی باید به جای وزیر بنشیند؟ هر یک از امیران دعوی جا نشینی وی کردند و هر یکی را تیغ و طوماری به دست در هم افتادند چون پیلان مست، صد هزاران مرد ترساکشته شد تا سرهای بریده پشته شد... تخم‌های فتنه‌ها کوکشته بود... آفت‌سرای ایشان کشته بود...

* یکی از راه‌های میوه‌پرندگان آن بوده است که می‌تواند در گوشه‌ای می‌نشسته صدای آن مرغ را تقلید می‌کند و بدین حيله مرغ را در دام می‌آورد. مولانا خود در جایی دیگر بدین معنی اشاره کرده است: چون بسی انبیا آدم روی هست پس به هر دستی نشا پیدا دست زان که می‌تواند آورد تا نگرفی تا فریب‌د مرغ را آن مرغ گیر بشود آن مرغ با نگرفی خویش از هوا آید، بیابدها مونیس

اول ای جان، دفع ستمش کن و انگهی در جمع گندم جوش کن... گرنه موسی دزد در انبیا ریاست گندم اعمال جل ساله کجاست؟ ریزه ریزه صدق هر روزه جزایر جمع می‌تواند در این انبیا را؟ پس از میان این تمثیل و آوردن یکی دو حکایت دیگر که مولانا با زیر سر سخن می‌رود و کویا آن وزیر گرفتار رشک و حسد بود، گوش و بینی را به باطل بر باد داد و بدین امید که زهر حسیا و برجان مسکینان بی گناه رسد؛ هر کسی کوا ز حسد بینی کند خویش را بی گوش و بینی کند

بینی آن باشد که او بویی بگرد بویی، او را جان کویا بگرد هر که بویش نیست، بی بینی بگرد بوی آن بوی است کان دینی بود ما حب دلان تکرور بر او دریا فتنه بودند و احساس می‌کردند که سخن او خالی از غرضی نیست، اما ما تا مردم طوق طلا عیبی را به گردن گرفته بودند؛ هر که جز آگاه و صاحب ذوق بود گفت: او، در گردن او، طوق بود مدت‌شس سال در هر چران شاه شد وزیر انبیا عیسی را بنیاه دین و دل را، کل بدو سپرد خلایق پیش امرونی می‌گرد خلایق در این میان وزیر شاه نصرانی کش در نهان بیخام‌ها داشت و روزی بدو نوشت اکنون وقتی است که در مسارا از روزگار نصرانیان بر آورم، آن‌ها دوازده گروه (سبط) بودند و هر سبط را امیری بودند همه گوش به فرمان وزیر داشتند. وزیر برای هر یک از سبط‌ها طوماری ساخت و در هر طوما حکمی به خلایق طوما رسیط‌های دیگر داد و اختلاف در میان ایشان پدید آمد، آری او زبک رنگی عیسی بو نداشت

وزیر از آن خم عیسی خوشداشت جا به صد رنگ از آن خم حقیقا ساد و یک رنگ گشتی چون میا نیست یک رنگی کز او خیزد لال بل منال ماهی و آب زلال گرچه در خشکی هزاران رنگ‌هاست ما میان را با پیوست جنگ‌هاست آن‌ها وزیر برای مزید کمرا هی ایشان فکری دیگر انگیخت. مدتی وعظ را قطع کرده و به عنوان ریاضت در خلوت نشست و از مردم روی پنهان کرد. مریدان از او در خواستند که خلوت را بشکنند و وعظ و انبیا را از آن‌ها از سر بگیرد. اما وی زبیرا رترفت و چنین فراموشه که این گوشه نشینی امر عیسی است؛ که مرا عیسی چنین بیخام کرد که همه یاران و خویشان ساس فرد روی در دیوار رکن تنها نشینی و زوجه‌خویش هم خلوت‌گزین

مشور و کلیله

تأثیر روش و داستان‌های کلیله و دمنه

گفت: ای شه گوی و دستم را بگرد بینیم بشکاف و لب در حکم (به غلبه) بعد از آن در زیر در آور سرا تا بخواهد یک شفاعت کسر مرا آنکهم از خود بران تا شیر دور تا در اندازم در اینان سرور وی در شرح نقشه بلید خویش به شاه گفت: چون چنین کردی من خواهم گفت که من در نهان نصرانی بودم. شاه از ایمان من آگاه شد و تصدقا نمود. من خواستم تا ظاهر به هم دینی با وی کنم اما او پیش از آن بویی از اسرار من برده بود و گفته مرا با ورنکرد، و اگر لطف و عنایت حضرت عیسی شامل حال من شده بود، وی مرا پاره پاره کرده بود. بدین ترتیب او را در جمع ایشان می‌شوم و اعتمادشان را به خود جلب می‌کنم. آن‌گاه نقشه خود را به اجرا در خواهم آورد. کرد با وی شاه آن کاری که گفت خلق حیران مانده‌ان مگر سبقت را ندان او جان نصرانیان کرد در دعوت شروع او، بعد از آن... صد هزاران مرتد ترا سوسی او اندک اندک جمع شدند در کوی او... او به ظاهر واعظ احکام بود لیک در باطن عیرو دام بود... دل بدو دادند نصرانیان تمام خود چه باشد قوت تقلید عام در درون سینه مهرس کاستند تا بید عیاش می‌بند استند در این جا مولانا داستان وزیر را می‌کند و یکی از تمثیل‌های بسیار زیبا و زنده و مؤثر خویش را می‌آورد: صد هزاران دام و دانه استای خدا ما هومرغان حریص بی نوا دم به دم مابسته دام نوییم هر یکی کز ما زوسیم مرغی سویم می‌رهانی هر دمی ما را و باز سویدا می‌می‌رویم ای بی نیاز ما در این انبیا رکنم می‌کنیم گندم جمع آمده گندم می‌کنیم می‌نشینیم آخر، ماهه گوس کابین غل در کندم است از مگر بوس موش تا انسان ما حفره زده است و رفتن انبیا را می‌بیران شده است

جمهوری اسلامی رژیم حرف

بقیه از صفحه ۳

موتقی از قول خمینی نقل می کند که وقتی عده ای از مسئولان مملکتی به دیدنش رفته بودند او ز قضا رومما شب جنگ با او صحبت کرده بودند، با این عکس العمل خمینی مواجّه شده که گفته بود: "جنگ تا موقعی که من زنده هستم با پیدا دا مه پیدا کند، پس از مردنم خودتان می دانید." در حالیکه واقعات روزبه روز تلخ تر و روشن تر میشود رژیم روزبه روز پهلوی را که از نزوا وی خردی و نداشتن کاری به دور خویش شنیده پیچیده تر می کند، در حالیکه مشکلات مالی و اقتصادی عملاً مملکت را فلج کرده است، در حالیکه مردم در عسرت و تنگدستی و فقر روزگسار می گذرانند و میزان جراثیم و جنایت روز به روز روبه افزایش است، رژیم زهر موقیعی استخفا ده می کند تا با حرف سر مردم را گرم کند و دستاورد هسای موهوم و غیر واقعی را به دروغ به عنوان بزرگ ترین موفقیت های رژیم تحویل آنها بدهد، یک نمونه از این دست را می توان رسوایی سفر مک فار لین و تحویل سلاح از آمریکا و اسرا تیل دانست که رژیم به زور خفه کردن صداهای کینه خواهان حقیقت ما جرا بودند، کوشید تا در رسا نه های تحت انقیادش آنرا بسه عنوان یک پیروزی جا بزند! نمونه ای

دیگر از اینگونه رفتار رژیم ، موضع گیری آن در قبال کنفرانس اسلامی است که قرار است سه هفته دیگر در کویت تشکیل شود، رژیم که میدوار بود طی تنها جمربلای ۴ به عمق خاک عراق نفوذ کند و از طریق بیروزیها پیش فزای کنفرانس اسلامی را زیر سلطه بگیرد، پس از شکست این تنها جممصم شده که در کانفرنانس اخلال کند. اما در همین زمینه نیز موفق نبوده است، خامنه ای در نما ز جمععه روز نوزدهم دیماه موضع بسیار ضعیفی داشت و تهدیدهای یک هفته پیش ایران را بدل به خواهش دوستانه کرد و عاقبت به این امر کردن گذاشت که اگر کنفرانس در کویت تشکیل شود، "جمهوری اسلامی ایران هیچیک از مصویات و مقصدرات آنرا به رسمیت نخواهد شناخت." موضع خامنه ای در قبال توجیه حمله کربلای ۵ که روز هجدهم دیماه صورت گرفت از این هم رقت با تر بود، رئیس جمهور رژیم خمینی حمله خیر را به قمع دانست تا به چنانی انشبات کند که جمهوری اسلامی هنوز قدا در راست ضربه های اساسی به عراق وارد آورد، آنجا که خامنه ای نسبت به توفیق تنها جم کربلای ۵ نا مطمئن بود، از همان ابتدا حدود

نیات و اهداف آنرا کوتاه گرفت تا مثل کربلای ۴ اسباب سرنکستگی رژیم فراهم نیاید، واقع آنست که بخشی کوچک از نیروی ضربه خورده ای مربوط به حمله کربلای ۴ صرفاً " برای پرده پوشی شکست قبلی به سوی مرکز رانده شدند. این نیرو که در شلمچه مستقر بود، قرار بود که همراه نیروی مستقر در آبادان در سه محور عراقی ها را عقب برانند و به بصره برسند. از این سه محور، محور اولی در امام الراسی تا ما "نا بوده و حتی یک تن از ایرانیان زنده برنگشت. نیروی مستقر در آبادان با بمباران شیمیایی از کار افتاد. بقایای این نیروی صد هزار نفری، در کربلای ۵ بسیج شدند، برغم آنکه حرکت سیاسی رژیم در تغییر محل کنفرانس اسلامی از کویت به یک کشور دیگر (مثلاً پاکستان) در رسا نه های خارجی با معیارهای واقع بینانه از زیبایی می شود، اما تبلیغات رژیم در داخل کشور که با کمک تما می و ساییل و امکانات صورت می پذیرد، چنان است که گوئی اساساً " جمهوری اسلامی موفق است. حتی روزنامه کیهان طی حرکت بی سابقه ای در صفحه اول خود کاریکاتوری چاپ کرده که گویت را حریم جنگسی و در بنا صدام حسین نشان می دهد، طبیعی است که در حمله تبلیغاتی جمهوری اسلامی، کویت در موقعیت دشواری قرار گرفته است. تغییر محل کنفرانس به منزله پذیرش کویت به عنوان یک منطقه جنگی خواهد بود. بگذریم از آنکه جمهوری اسلامی با عمل خود توانسته شکاف

بین کشورهای تندرو میانه و منطقه را با زشر کند و آشتی بین عراق و سوریه از یک طرف و سوریه و مصر از طرف دیگر را غیر ممکن سازد، این شگاف در نهایت به سود اسرا تیل تما میشود که از وحدت و یکپارچگی اعراب همواره بیم داشت است. در حالیکه در داخل مملکت، به علت ورشکستگی های مالی و اقتصادی، ویرانی های ناشی از جنگ، تورم مهار گسیخته، فساد و رشوه خواری، نا امنی و زلزله، رژیم با چوب زیرین خود را بر سرپا ننگه داشته، آنچه در مورد کنفرانسهای بین المللی و خارج از ایران تبلیغات می شود گوششی است برای حفظ پرستیژ و لاف دروغیسی. این لاف درمورد کنفرانس اوپک، در رسا له ارسال اسلحه به ایران، در ما جرای جنگ داخلی لبنان و بتا زگی در تغییر محل کنفرانس اسلامی مصداق روشنی میباید، در حالیکه رژیم از هرگونه عملی که رفا و آسایش مردم را در بی داشته باشد نا توان است، از راه حرف و دستا ویز تر ا ردا ن شعای واهی و تبلیغات دروغ بر آنست تا به اصطلاح بر اعتبار و اهمیت خود در جهان اسلام تکیه کند و از این طریق دهسان مخالفان را ببندد، به چشم مردم ایران خمینی به نا خدای بی خردی میماند که از کشتی شکسته اش غافل با شد و در همسان حال رسالت خود را نجات مای ها از غرق شدن بداند!

۵ ژانویه ۸۷

جنگ بی امان قدرت

قتل وحده و تصفیه چهره های درجه اول انقلاب اسلامی مثل آیت الله بهشتی، ها شمی رفسنجا نیرا به صف اول و به پیش صحنه را ندوا کتون وی به صورت مرد شماه رژیم جمهوری اسلامی در آمده است. ها شمی از ریاست مجلس بعنوان نخستین استقاده کرده است، نقش او به عنوان دا و در مجلس به وی امکان داده است که در برخورد ها و جنگ قدرت ها در مجلس با لای سربقیه قرار گیرد، اما از او خرمهر ما گذشته جنگ بر سر جانشینی خمینی وی را بصورت رقیب اصلی آیت الله منتظری جلوه گر ساخت.

منتظری جسا نشین موعود خمینی، برای محکم کردن موقعیت خود فعلا لیت های میانه رو ها ئی چون مهدی با زرگان و نهشت آزاد ی را زیر پوش خود گرفت، به توجیه منتظری، میر حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفت که از تشمیدیان ایرانی در خسار ج خواست به کشور بازگردند، ما تندرو ها ی رژیم بخصوص خوشینی ها این طرح را نقش بر آب کردند.

مضروب سا ختن با زرگان و دوستانستدر بها رکذشته به عنوان همداری به منتظری تلقی شد.

ما هنا مه عربی این چنین ادامه میدهد: از رفسنجا نی تا خوشینی ها هر کس دستش به قدرتی بند بود از در مخالفت با منتظری در آمد، استدلال آنها بسیار ساده است: هر چه منتظری ضعیف تر باشد بعد از خمینی آسان تر میتوان او را کنترل کرد. کاهش نفوذ منتظری بحدی رسید که در سپتا میرگذشته را دیوی جمهوری اسلامی قسمتی از سخنان سیاسی او را سانسور کرد.

ما هنا مه عربی می افزاید: بدون تردید واقع جبهه های جنگ با عراق نیرو های داخلی جمهوری اسلامی را شدت خوا هد بخشد، رژیم تهران با وجود وعده های زیاد نتوانست حمله سرنوشت ساز علیه عراق را در پسا شبز امسال انجام دهد، خمینی در زمستان گذشته طی فتاوی از همه خواست که به جبهه ها سرونده های وی تشکیل ارتش یک میلیونی بود، اما این طرح به شکست

انجا مید، رفسنجا نی خود تلویحا " بدین شکست اعتراف کرد، در ما ها کتیر بجای یک میلیون نفر، از بسیج تنها یکصد هزار نفر سخن گفت.

ما نوره ای رفسنجا نی

رفسنجا نی که بی برده است جمهوری اسلامی قار به کسب پیروزی نظامی نیست، راه حل جنگ را در کتا رفتن صدام حسین رئیس جمهوری عراق یافته سعی کرد با کمک سوریه، متحدان عراق را از بیاری دادن به این کشور منصرف کند، رفسنجا نی حتی گفت در صورت کنار رفتن صدام حسین رژیم تهران از تحمیل یک رژیم اسلامی به عراق خودداری خواهد کرد. اما این نقشه بجای نی رسید، عربستان سعودی و بخصوص بخشی از هیئت حاکمه آمریکا معتقدند که در صورت سقوط عراق و هیچکس در ایران نمیتواند جلوی فتنه انقلاب اسلامی را در منطقه بگیرد.

ما هنا مه عربی سپس به ما جرای مهدی ها شمی و مخالفت وی و دا رودسته اش با سیاست نزدیکی به آمریکا می یپردازد و می نویسد:

طرفداران مهدی ها شمی، آیت محمود کارد را سوریه را که متهم به توطئه علیه منتظری و تلاش برای خاتمه دادن بجنگ بود روز سوم اکتبر گذشته ربودند. در این میان دستگیری برادران ها شمی، به عنوان بیروزی ها شمی رفسنجا نی شمار رفت، وی با یک تیر دو نشان زد: منتظری را تضعیف کرد و سعی کرد به آمریکا نشان دهد که قدرت در ایران در دست اوست. حتی آزاد کردن دیوید جا کوپین کروگان آمریکا ئی، اگر چه در مقابل دریافت اسلحه از آمریکا بود ولی از همین منظر سرچشمه می گرفت: که آمریکا بفهمد، رئیس، رفسنجا نی است.

در در جات با ثین تر آن که نمی خواهند انقلاب خود محروم شوند.

از سوی دیگر ها شمی رفسنجا نی با دید بهر حال جوا با گوی سیاست نزدیکی بسا آمریکا با ند، رفسنجا نی به علت همین سیاست با مخالفت های فزاینده ای روبروست، در دا نشگاه، در جبهه های جنگ، در مجلس و در همه جا بحث وجدلیها، بر سر این موضوع ادا مده ارد، و در آبان ماه چیزی نما نده بود که دا نشجویان خط امام با رفا رها های عربستان سعودی و کویت را اشغال کنند.

آنها طرفداران نزدیکی با آمریکا یعنی رفسنجا نی، احمد خمینی و صادق طباطبائی را پشت مورد حمله قرار میدهند و بعضی از آنها حتی شخص خمینی را متهم می کنند که با این تماس ها موافقت کرده است.

ما هنا مه عربی - شما ره اول - ما ه ژانویه ۱۹۸۷

شکست مذاکرات

بدا عتفا دمطبوعات فرا نندونا ظسیران سیاسی، مذاکرات علی آهنی فرستاده جمهوری اسلامی با مقامات فرانسه به سکت انجامید.

روزنا مه فسکا رودر نما ره! از انویه خود نوسب؛ ما زعه فرانسه و جمهوری اسلامی به بن بست رسید، دیگر روزنا مه فرانسه لوما ن، از شونت جرمان عادی نشدن روابط دو کشور سخن گفت.

وزیر امور خارج فرانسه نیز طی یک سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد که فرانسه عملاً در نظردا ر دقتیه، بدهی یک میلیارد دلاری خود را به جمهوری اسلامی بپردازد، در همین حال زا ک نیراک نخست وزیر فرانسه، روز ۲۱ ژانویه به مدت کوتاهی علی آهنی را بحضور پذیرفت.

روزنا مه فسکا رودر این بار د نویست: مذاکرات علی آهنی با زا ک شیواکسیا ر کونا بود.

بقیه در صفحه ۱۲

جنگ تمام عیار

به سوخته خیرکاری فرانسه، پس از چند ماه آرا می‌سبی، موج گروگان‌گیری اتباع غربی در لبنان، سرگشته شده است. این موج ناز را در آذربایجان، با زدا شدت تروریست لبنانی، محمدعلی حماده در فرانسفور، همزمان گردیده است.

روزنامه ۲۴ ژانویه آمریکا می‌گوید: هندی تبعه آمریکا، طی عملیات نمایشی صورت‌های توسط چهار تروریست که خود را به شکل ماء عبوران پلیس لبنان در آورده بودند، در دانشگاه آمریکا بیروت رفته بودند. دولت آمریکا ضمن محکوم کردن این آدم‌ربایی، خواستار آن گردید که هر چه زودتر گروگانها آزاد شوند.

آنچه در بیروت رخ می‌دهد، با منطقی که پایه تفهیم و تقاضای هم‌گویی را تشکیل می‌دهد، در تقاضای هم‌گویی برد، آری می‌توان با قشویون دستا ربنده معیارهای چندین قرن پیش، ملاک رفتن و آسان‌شان است از قوانین بین‌المللی سخن گفت؟

آیا می‌توان با تروریست‌ها و وحشت‌افکنان که ملایان بی‌سعه عنایت و آموزش را به آن‌ها آموختن می‌دهند که کشتن و مردن در راه خدا، مطمئن‌ترین جاده به سوی بهشت شمرده می‌شود، از انسانیت یا از حقوق بشر سخن گفت؟

زرقانی مساء له این است که جمهوری اسلامی مستقر در تهران و زانشده‌های لبنان آن، به غرب، با اعلان جنگ تمام عیاری داده‌اند. آنان از غرب، از شیوه زیست آن، از کیش و آیین آن و از نسوان آن، نفرت دارند. از این روست که مذاکره با این مردمان تبهکار، کاری بی‌بهره است. درست است، گناه می‌تواند با مذاکره، چندگروگان را از چنگ آنان بیرون کشید، اما باید دانست که با هر مذاکره‌ای که آنان درازای آزادی یک گروگان به دست می‌آورند، بر توان و جسارت آنان افزوده می‌شود. با آیت‌الله دیوانه که بر تهرانی حکم می‌راند به زین دیگری با بدخون گفت، و گرنه روزی، موجی که هدف اعلام شده آن، بندها شدن مادر برابر امام غایبی ست که آنان چشم به راه وی هستند، ما را با خودخواهد بود. به این رویه‌های دیوانه‌گسبان نخدمت، تاریخ بشر، از این رویه‌ها سرشار است، رویه‌هایی که همواره به حماخون می‌انجامد.

کوتیدین - ۲۶ ژانویه ۱۹۸۷

چهره یک

بقیه از کنفرانس

کوشید تا جریان مذاکرات را زیر غرش توپخانه محو کند و در عین حال به سازمان زیرزمینی هوا را رچینوری اسلامی نیز اعلام کرده اند که در صورت برگزینی کنفرانس به منافع کوییت حمله خواهند کرد.

همچنین بدون آنکه رابطه مستقیمی میان جمهوری اسلامی و وقایعی که در هفته گذشته در خاورمیانه رخ داده وجود داشته باشد، چهار آمریکا طی ودوآلمانی به صف اسیران به گروگان گرفته در لبنان بیوسنند، و سه سو صد نیز در کوییت کشف شده که حکایت از اقدامات خرابکارانه علیه کنفرانس اسلامی می‌کند.

به گفته یک دیپلمات عرب، جمهوری اسلامی در کنفرانس حضور داشته باشد یا نه، وجهه آن سخن گفته شود یا نه سکوت برگذار شود، وزن این کشور بیخوان یکی از قدرت‌های بزرگ و سرجمیت منطقه، بر کنفرانس سنگینی خواهد کرد.

از سوی دیگر شرکت احتمالی برزیل و حینی مبارک پس از شش سال غیبت از این کنفرانس نشان دهنده با زکشت مصر به دامان سازمان کنفرانس اسلامی است. به ویژه که مقامات کوییتی علاقه



رد دعوت

اسلامی توضیحاتی بدهد. معاون وزارت امور خارجه ایران سال گذشته ضمن مسافرت به آنکارا از رئیس جمهوری کنعان اورن بنا بدعوت رئیس جمهوری ایران خاتمه‌ای، برای بازدید از ایران دعوت رسمی بعمل آورده بود که کنعان اورن این دعوت را قبول کرده بود ولی با توجه به جریانات و اوضاع و احوال اخیر کنعان اورن با زدیده خود را از ایران بیخ و باطل نمود.

اطهارات و بیانات نزهت‌گرا در میسر سفیر کنفرانس ترکیه، در تهران و آتا تورک حساسیت ترکیه به رهنمودهای آتا تورک و اعتقاد دبه حکومت لائیک با عت نا را حتی مسئولان رژیم ایران شددوربا - سخ اظهارات سفیر کنفرانس، مقامات رژیم تهران گفتند: ما در مورد اخلای ترکیه نمی‌خواهیم دخالتی بکنیم ولی حساسیت مقامات ترکیه به موضوع حکومت لائیک و رهنمودهای آتا تورک قابل تحمل نیست.

روزنامه حریت - ۱۳ ژانویه ۸۷

شب نامه

بقیه از متحد

امفغان و همسرش و شجاعی، مسئول کمیته زینبیه (دایره مکراب) امفغان.

بر اساس گزارشی عنای مردمی ۱۵۰ نفر از پرسنل رده‌های سازمان منطقه کلان در عملیات گریز از منطقه مرمری به نسل رسیدند. در منطقه گفته می‌شود که این عده به علت طرفداران مهدی حاسمی بدقتل رسیده‌اند. به همین دلیل نظامیان ریح داده است و وضع منطقه متشنج است. در بین گشته‌سگسان از فلسی زاده فرماتده، ساه مسقطد و معاون وی کلسانی نام برده می‌شود.

از همه‌جا بیدار سلطان حسن دوم با دنا ه مراکش و رئیس پیشین کنفرانس و سرهنگ قذافی نام برد. مسئله حمله قذافی به جاد در کنفرانس اسلامی مطرح خواهد شد.

خبرگزاری ریها - ۲۶ ژانویه ۸۷

در پی مذاخه مستقیم رژیم جمهوری اسلامی ایران در مورد اخلای ترکیه، کنعان اورن رئیس جمهوری ترکیه یعنی او و کنکش و اعتراض به حرکات و اعمال گستاخانه ایران، دعوت رسمی ایران را رد کرد و با زدیده خود را از این کشور باطل ساخت. فرستاده مخصوصی از طرف نخست وزیر ترکیه برای آنکه به مسئولان رژیم تهران خاطر نشان کند که موضوع پیوسته اسلامی در ترکیه مربوط به امور داخلی است به تهران رفت.

در اعلامیه‌های بخش شده از دیو جمهوری اسلامی که مستقیماً از طرف دولت ترکیه شدیداً کنترل می‌شود و همچنین در روزنامه‌های ایران و در این اواسط طرف مدرسین حوزه علمیه قم همه روزه ترکیه و حکومت لائیک آن و رئیس جمهوری مورد اتهام قرار میگیرند.

نخست وزیر، تورگوت اوزال با گسیل فرستاده مخصوص خود به تهران از نخست وزیر ایران دعوت کرده تا در باره روابط سیاسی فیما بین واقعات جمع‌آوری

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۱۲۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۶۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

ایشان نام و نام خانوادگی بیا

ماری و به حرف لاشین

نام خانوادگی: Nam

نام: Prénom

آدرس: Adresse:

ما بایلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مدت شش ماه مبلغ فرانسه به حساب بانکی نشریه به حساب پستی نشریه حواله شد.

قبض رسید به سیمه ارسال می‌گردد.

تاریخ: امضاء

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمنا دارم تقاضای اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرمائید. نامه‌هایی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی‌رسد.

گزارش محرمانه

از سیستان و بلوچستان

بقیه از صفحه ۲

شبهه‌سنی و قشاروختناقی که رژیم حاکم کرده و موجب نفاق در میان جوانان شده و نیروهای متخصص را از منطقه فرار داده و محرومیت و ویرانی استان را فراهم کرده هیچ امتیاز دیگری جمهوری اسلامی برای این منطقه به بار نیاورده است.

دیگر تداخل گروهی و مشا رکت عمومی گذشته در منطقه وجود ندارد. شبهه جنم نفرت به هموطن سنی خودنگاه می‌کند.

امکانات رفاهی و بهداشتی به صفر رسیده است. هم‌اکنون به دلیل آنست که آوندها کوشیده اند سطح فرهنگ عمومی را با بین نگه دارند. رژیم خیال می‌کند که با گرفتن اعترافات آن هم‌بزه‌بزرگ زور و فشار را بر مولوی نظر محمد دیدگساره روحانی اهل سنت، موفق می‌شود که مسائل را حل و فصل کند. حال آنکه اعترافات که در سند تحقیقاتی نخست وزیر دربار ایران است نشان فراموش شده است. تنها پنده آنست که مسائل و مشکلات این استان محروم تنها به این شیوه‌ها حل نخواهد شد، بلکه بر دشمنی‌ها و نفرت‌ها بیشتر از همینه خواهد افزود.

برنامه تلویزیونی زاهدان، زمین را برای درگیربازی تازه‌تری آماده کرده است.

۲۶ دیماه ۱۳۶۵

بقیه از صفحه ۱

جنگ ایران و عراق یکی از آن بازیهای عجیب دوره کنونی بشمار می آید. این جنگ، اسماً "جنگ ایران و عراق" است ولی در واقع جنگ هفتاد و دو ملیت است. آنچه درین جنگ مستقیماً "و منحصراً" به ایران و عراق مربوط میشود تلفات و خسارات جنگ است، زمین که بگذرد اکثر کشورهای جهان درین جنگ دستی دارند و آن به نحوی استفاده می برند.

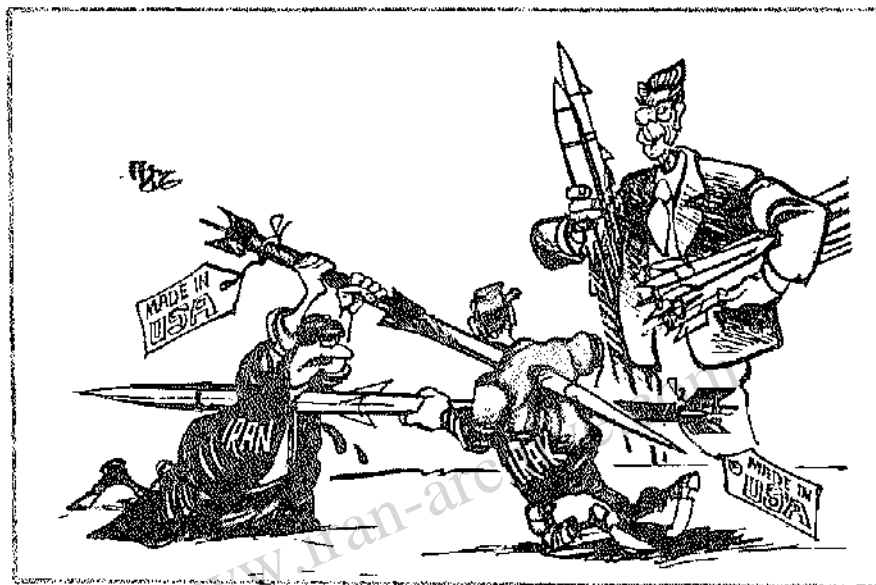
تا وقتی قضیه "ایران کیت" پیش نیامده بود کمترین کسی میدانست که اسرائیل چه نقش عجیبی در جنگ ایران و عراق بازی میکند. در اوایل جنگ، وقتی یک هواپیمای آرژانتینی که برای جمهوری اسلامی اسلحه می برد در مرزهای ایران و شوروی راه را گم کرد یا راه را هب و بستند و بهر حال مجبور شدند در خاک همسایه فرود آید، برای نخستین بار برده از روی ارتباط بنیان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل بکنار رفت. بعد از آن، با زموارد دیگری سبب آمدن کابیل برده یوشی نبود و با لایحه ژنرال تارون وزیر اسبق دفاع اسرائیل در سفری به آمریکا ضمن گفت و گو با روزنامه نگاران آمریکا طی به دستور اسلحه و قطعات بدکی از اسرائیل برای رژیم آیت الله اقرار کرد.

اطهارات آریل تارون را بعداً "تعمداتی دیگر از شخصیت های نظامی و سیاسی اسرائیل تکرار و تکرار شده اند و آنجا که آنها همگی می گفتند اسرائیل فقط در دوره محدودی، در اوایل جنگ ایران و عراق، با اطلاع و موافقت دولت آمریکا به جمهوری اسلامی اسلحه فروخته و پس از آن دیگر چنین معاملاتی انجام نگرفته است. البته این خبرها را جمهوری اسلامی بکلی تکذیب میکرد. آیت الله خمینی میگفت: "اسرائیل چه قابل آدمها شد که ما از او اسلحه بخریم." رئیس جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی و همقطاران دیگرشان نیز بیتابه کید ادعا می کردند که این تعامل ساخته و پخته دستگاه تبلیغاتی شیطان بزرگ و استکبار جهانی بمنظور بی اعتبار کردن جمهوری اسلامی است.

بازی عجیب قرن!

در اوایل سال ۱۹۸۵ با ردیکرکزارشهایی انتشار یافت حاکی از این که اسرائیل همچنان به معاملات اسلحه با جمهوری اسلامی ادامه می دهد. این گزارشها که معمولاً بر نترتایت های سیاسی یا اقتصادی بین کشورهای یا شرکت های ذینفع به مطبوعات بین المللی درز می کند تعجب کشورهای اروپایی را برانگیخت چون در همان زمان

دستباری تعدادی از نزدیکان آیت الله خمینی کارگردانی می کرده است. بازی را اسرائیل به این صورت اداره میکرد که زنگنه به آیت الله خمینی میفهمانید شرط لازم در پیروزی او بر عراق دستیابی به قطعات بدکی و سلاحهای مدرن آمریکایی است و از طرف دیگر به آمریکا شایه تفهیم میکرد که فقط با استفاده از چنین موقعیتی است که میتواند آیت الله خمینی را خرد و زخمی کند و برسد و



آمریکا شایه در مذاکره با متحدان اروپایی خود آنها را از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی برحذر می داشتند و می گفتند حساسیت اوضاع در خلیج فارس ایجاب می کند از توسعه جنگ ایران و عراق جلوگیری شود و این امر مستلزم محدودیت صدور اسلحه به جمهوری اسلامی است. سؤال این بود که خوب، اگر واقعاً "آمریکا خطری در تسلیح جمهوری اسلامی احساس میکند چرا جلوی اسرائیل را نمی گیرد؟

افشای قضیه "ایران کیت" این معما را حل کرده و معلوم شد اینها همه اجزای یک بازی بزرگ بوده که آن را اسرائیل با

عهدی را که برایش پذیرفتن شاه به آمریکا و متعاقباً "اشغال سفارت آمریکا در تهران" گسسته شده است دوباره برقرار سازند. اسرائیلی که بعداً زواقع "ایران کیت" افتاد شده است نشان میداد که این بازی چه ماهرا شطرنج شده بود و چه استادانه اجراء می شد.

هفته گذشته روزنامه اسرائیلی "دادار" ارکان سندیکای کارگری وابسته به حزب کار اسرائیل فاش کرد که در اوایل سال ۱۹۸۶ هاشمی رفسنجانی بطور کاملاً محرمانه به لندن رفته و با "دیوید کیچمشه" و "یعقوب نمرودی" و همچنین "رابرت

مک فارلین" گفت و گو کرده است. بی شک، حساسیت و اهمیت مسأله ارتباط با آمریکا چنین سفری را ایجاب میکرد، است زیرا آمریکا طی ها قبل از آنکه مطمئن شوند آیت الله خمینی شخصاً طرف معامله با آنهاست وارد این بازی ظریف و حساس نمی شدند و آیت الله خمینی هم نمی توانست کسی را حراز رفسنجانی و اسطفا ارتباط مستقیم با آمریکا قرار دهد.

تصاویر این ماجراها در شرایطی انجام می گرفت که بسیاری از دولتمردان جمهوری اسلامی در عوامل دیگری سیر می کردند و حتی فقیه عالیقدر شاعر مرگ بر اسرائیل را جاسوس می گرفتند و هر بار گروهی را بحضور می پذیرفتند، ضمن "رهنمود" هایش، راه رضای خدا چندتا لیچا رهم برای آمریکا و اسرائیل ما به می گذاشت. همچنان که در طرف دیگر معرکه بعضی از مخالفان آیت الله برای مبارزه با رژیم و سرنگون کردن آن جسم میدان منحصراً "به آمریکا و در درجه دوم به اسرائیل دوخته شده بود. تا زه در جریان این بازی بزرگ، هیچ معلوم نبود دوستان آمریکا شایلی با خود آیت الله چه قدر صادق القولند. گزارشهای آن هم هفته گذشته در مطبوعات آمریکا انتشار یافت نشان می دهد که اسرائیلی ها بر اساس عکسهای ماهواره ای، هم به ایران و هم به عراق اطلاعات میدادند و منتظر اخبار و اطلاعات مجعول و کجرا هکننده!

و با مزه تر اینکه اکنون، بر اثر فشارهای اسرائیل "ایران کیت" و رسوا شده ای که بدستبال آورده است، اسرائیلی ها می گویند ما نفعی در این قضیه نداریم، فقط برای آنکه بدوستان آمریکا شای خود کمکی کرده با شیم جا فرض شدیم نقش واسطه را ایفاء کنیم. اسرائیلی ها می گویند طراح و مبتکر و صحنه گردان این بازی اسرائیلی ها بودند و آنها روی دست ما گذاشتند که وارد معرکه شویم!

کدام راست می گویند؟ این را من نمی دانم اما اگر بپرسید کدما نشان دروغ میگویند یا سخسیدهم: هر دو!

از سوی دیگر روزیها مورخان جمهوری اسلامی در روز ۲۱ ژانویه در محاصره ای بسیار تلویزیون کانال ۲ فرانسوا در حالی که علی آهنگی هنوز فرانسوا بود، گفت: فرانسوا از جمهوری اسلامی انتظار داشت بیشتر از این. وی افزود: هنگام آزاد شدن "اورل کورنه آ" ما منتظر آزادی تعداد بیشتری از زکروگان ها بودیم بخصوص که برونده کاملی در اختیار داشتیم. وزیر امور خارجه فرانسوا گفت: مذاکرات با فرانسوا جمهوری اسلامی جنبه کلی داشت، وی اضا فیه کرد: درست است که ما به ایران بدنه کاریم، ولی شرکت های فرانسوی نیز از جمهوری اسلامی خسارات زیادی طلب کارند. نخستین قسط ۳۳ میلیون دلاری که ما به جمهوری اسلامی دادیم نشان حسن نیت ما بود، ولی سبباً در نظر نیست که بقیه این بدهی به جمهوری اسلامی برداخت شود.

مطبوعات و خبرگزاری فرانسوا - ۲۲ ژانویه

ایران هرگز نخواهد مرد

مترجم سخن می گفت، روز ۲۱ ژانویه بار دیگر سه شرط جمهوری اسلامی را برای عادی شدن روابط با فرانسوا تکرار کرد و افزود: چنانچه فرانسوا این سه شرط را بپذیرد، جمهوری اسلامی میتواند فرانسوا را در مورد مسئله گروگانها بیشتر کمک کند. در حالی که این سخنان آشکارا دست داشتن جمهوری اسلامی را در گروگانگیری های لبنان تا بیحد می کند، آهنگی اضا فیه کرد مسئله گروگانها در دست جمهوری اسلامی نیست و دولت فرانسوا نیز این را میداند، ولی همچنان آگاه است که ما بر بعضی گروه ها در لبنان نفوذ داریم به همین دلیل از ما درخواست یا درخواستی کرده است. سه شرط جمهوری اسلامی که روز ۲۱ ژانویه با ردیکر تکرار شد، عبارتند از:

- ۱ - مسئله یوزیسون ایران نشان در فرانسوا و مکاناتی که دولت فرانسوا در اختیار آنها قرار داده است.
- ۲ - بازگرداخت اصل و بپهره و اممیک

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE